

لنینیسم

در تئوری و عمل

ترجمهٔ تقی برومند (ب. کیوان)

و

بخشی از منظومهٔ و. ای. لنین

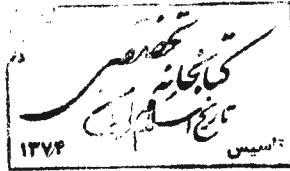
سرودهٔ ولادیمیر مایاکوفسکی



بها ۹۰ ریال

لنینیسم در تئوری و عمل

تزه‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
بمناسبت یکصدمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین



ترجمه ب. کیوان (محمدتقی برومند)

بخشی از منظومه ولادیمیر ایلیچ لنین
سروده ولادیمیر مایاکوفسکی
ترجمه احسان طبری



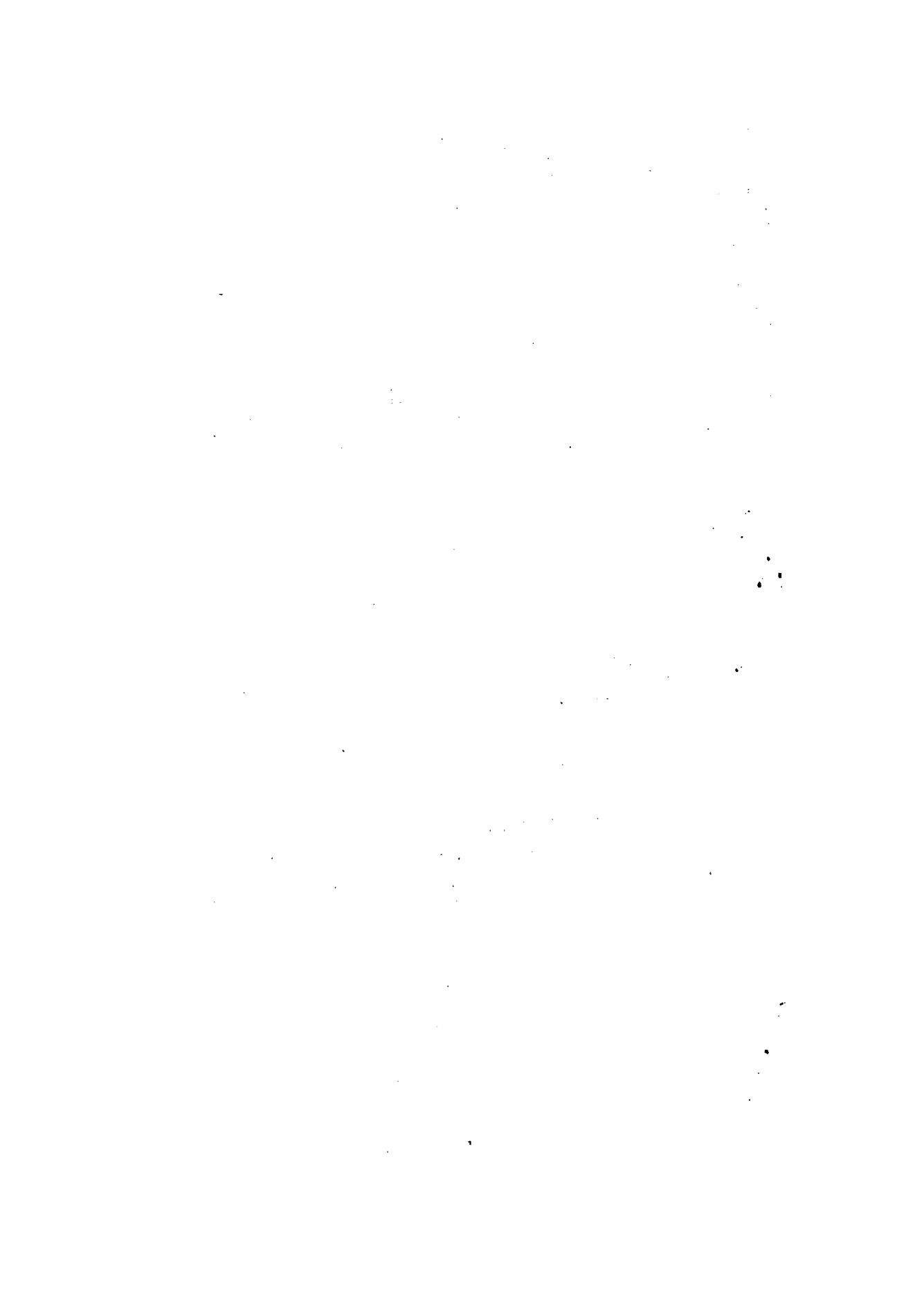


لنڤنڤسڤم درکنوری و عمل
ترجمه ب. کیوان
بخشی از منظومه ولادیمیر ایلچ لنین
سروده و. مایاکوفسکی
ترجمه احسان طبری
حق چاپ محفوظ است

فهرست

صفحه

۵	تزه‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت یکصدمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین
۱۲	لنین، بنیان‌گذار حزب طراز نوین پرولتری، تئورسین و سرکرده انقلاب سوسیالیستی
۲۶	سوسیالیسم، مظهر ایده‌های لنینیسم است
۵۲	لنینیسم برای دگرگونی‌های انقلابی جهان، پرچم مبارزه خلقها علیه امپریالیسم است.
۷۳	باتبعیت از راه لنین، به سوی کمونیسم
۷۸	بخشی از منظومه ولادیمیر ایلیچ لنین



تزه‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بمناسبت

یکصدمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

۲۲ آوریل ۱۹۷۰، یکصدسال از تولد ولادیمیر ایلیچ اولیانوف لنین ادامه‌دهنده نابغه‌دکترین انقلابی کارل مارکس و فردریک انگلس، بنیان‌گذار حزب کمونیست اتحاد شوروی، صدر بزرگترین انقلاب اجتماعی، مؤسس نخستین دولت سوسیالیستی جهان، رهبر طبقه کارگر جهانی و عموم زحمتکشانش، سپری می‌گردد.

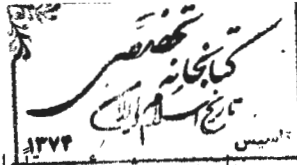
نام و فعالیت‌های لنین زینت بخش سراسر یک دوره انقلابی در حیات جامعه است. لنین به مبرم‌ترین مسائل مطروحه انقلاب تاریخی پاسخ گفت. تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را در همه زمینه‌ها بسط و گسترش داد و جنبش انقلابی روسیه و سراسر جهان را با استراتژی و تاکتیک علمی مجهز ساخت و برای به کرسی نشاندن ایده‌آلهای سوسیالیسم در رأس مبارزه طبقه کارگر قرار گرفت. سوسیالیسم که تحت تعلیمات مارکس و انگلس از خیالپرستی به حیطة علم درآمد و بانبوغ لنین با استنتاجات و نوآوریهای تازه‌ای مزین

گردیده است، به مقیاس تاریخی جهانی در پراتیک اجتماعی تبلور یافته و اینک به نیروی اساسی انقلابی عصر ما بدل شده است.

لنین از بدو فعالیت‌های انقلابی‌اش در مواضع مارکسیسم پایدارانه ره‌سپرد و از این خاستگاه روح انقلابی خصوصیت کارائی و سازندگی و انترناسیونالیسم پرولتری را در خویشتن خویش بازور ساخت. سراسر حیات لنین به امر رهایی طبقه کارگر و همه زحمتکشان از قید استثمار و شکنجه و بی‌بهرگی، انقلاب سوسیالیستی و بنیان ساختمان جامعه نوین جامعه کمونیستی اختصاص دارد.

لنین میراث تئوریک‌آموزگاران کبیر خود را در انطباق با شرایط نوین تاریخی بسط و گسترش داد و آن را بانو آوری‌های ناگزیر انقلابی مستغنی گردانید. لنین علیه هر نوع اقدامات در بی‌روح نمودن و جزمی گردانیدن دکترین مارکس و انگلس به شدت مبارزه می‌نمود «مادکترین مارکس را هرگز چیز نامحسوس و متحجری نمی‌دانیم، برعکس معتقدیم که این دکترین تنها شالوده چنان دانشی را مطرح ساخته است که سوسیالیستها در صورتیکه بخواهند در مسیر زندگی بازپس نمانند باید آن را در همه جهات و زمینه‌ها بسط و گسترش دهند.» (مجموعه آثار، جلد چهارم، صفحه ۲۱۸ - ۲۱۷). لنین گسترش خلاق مارکسیسم را لازمه تأثیر آموزش انقلابی، کلید حل تئوریک‌ی و پراتیک‌ی مسائل مربوط به طبقه رشد یافته کارگر و سیله‌ای در مبارزه اساسی علیه اپورتونیزم چپ و راست و علیه اصول دکماتیسم و ریزیونیزم رنگارنگ میدانست.

لنین یک رجل سیاسی طراز نوین، دانشمند، خطیب، مبلغ،



سازمانده توده‌های وسیع خلق بود. سیوه عمیقاً علمی در تجزیه و تحلیل حوادث و ارزش‌یابی روشن بینانه تناسب و تقسیم نیروهای طبقاتی، دفاع منطقی و پایدارانه از اصول مارکسیستی، انعطاف تاکتیکی در مبارزه، گذشت و فداکاری بی‌حد و حصر در قبال منافع و هدفهای جنبش پرولتاریائی، خصوصیت بارز لنین را مشخص میدارد.

لنین تدوین تئوری و سیاست علمی را دقیقانه با بررسی و تعمیم تجارب مبارزه توده‌ها پیوند میداد و پاسخ به مسائل حیاتی جنبش کارگری را در درون تجارب میلیونها انسان میجست و باز مییافت. لنین به‌عنوان استراتژ و تاکتیسین بیمانند مبارزه طبقاتی پرولتاریائی با زحمتکشان پیوستگی نزدیکی داشت. منافع حیاتی آنان را لمس می‌کرد و ضربان نبض حیاط توده مردم را به‌گوش جان میشنید و با دقت طرز تفکر اجتماعی کارگران و دهقانان و همه قشرهای جامعه را بررسی می‌کرد و به‌اتکای آن تصمیمات سیاسی خود را تدارک می‌دید.

زندگی لنین، معرف کار نمایان اوست. سراسر این حیات افتخار-آمیز با کار خلاق اندیشه، فعالیت مداوم انقلابی، پیکارهای ایدئولوژیکی و سیاسی توأمان بود. لنین برجسته‌ترین مشخصه‌های يك انقلابی پرولتری، هوش سرشار، اراده رام نشدنی، نفرت و کین مقدس به‌زور و بردگی، شور انقلابی، انترناسیونالیسم منطقی، ایمان بی‌پایان به نیروهای آفریننده توده‌ها و نبوغ سازماندهی را در خود جمع داشت. زندگی و فعالیت لنین با مبارزه طبقه کارگر و حزب کمونیست عجین شده بود.

دکترین و فعالیت لنین تأثیر فوق‌العاده‌ای بر جنبش‌های روسیه و سراسر جهان بر جای نهاد و وی را از رهنمود ایدئولوژیکی و

سازمان انقلابی برخوردار ساخت.

لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری، مارکسیسم دوران فروریختگی استعمار و پیروزی جنبش‌های رهائی بخش ملی و مارکسیسم عصر گذار بشریت از سرمایه‌داری به سوسیالیسم - ساختمان جامعه کمونیستی است. در سند کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری تحت عنوان «به مناسبت صدمین سالگرد تولد لنین»، گفته شده است: «تجربه سوسیالیسم جهانی و جنبش کارگری و جنبش آزادی‌بخش ملی اهمیت جهانی دکترین مارکسیستی - لنینیستی را تأیید نموده است. پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک سلسله از کشورها، پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی، دست آوردهای جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری، گام نهادن خلقهای مستعمرات و نیمه مستعمره‌های سابق به فعالیت سیاسی و اجتماعی مستقل، اعتلای بیسابقه مبارزه ضد امپریالیستی محک‌هایی در صحت تاریخی لنینیسم می‌باشند که امپراتیف‌های شگرف عصر ما را در خود منعکس می‌سازند.»

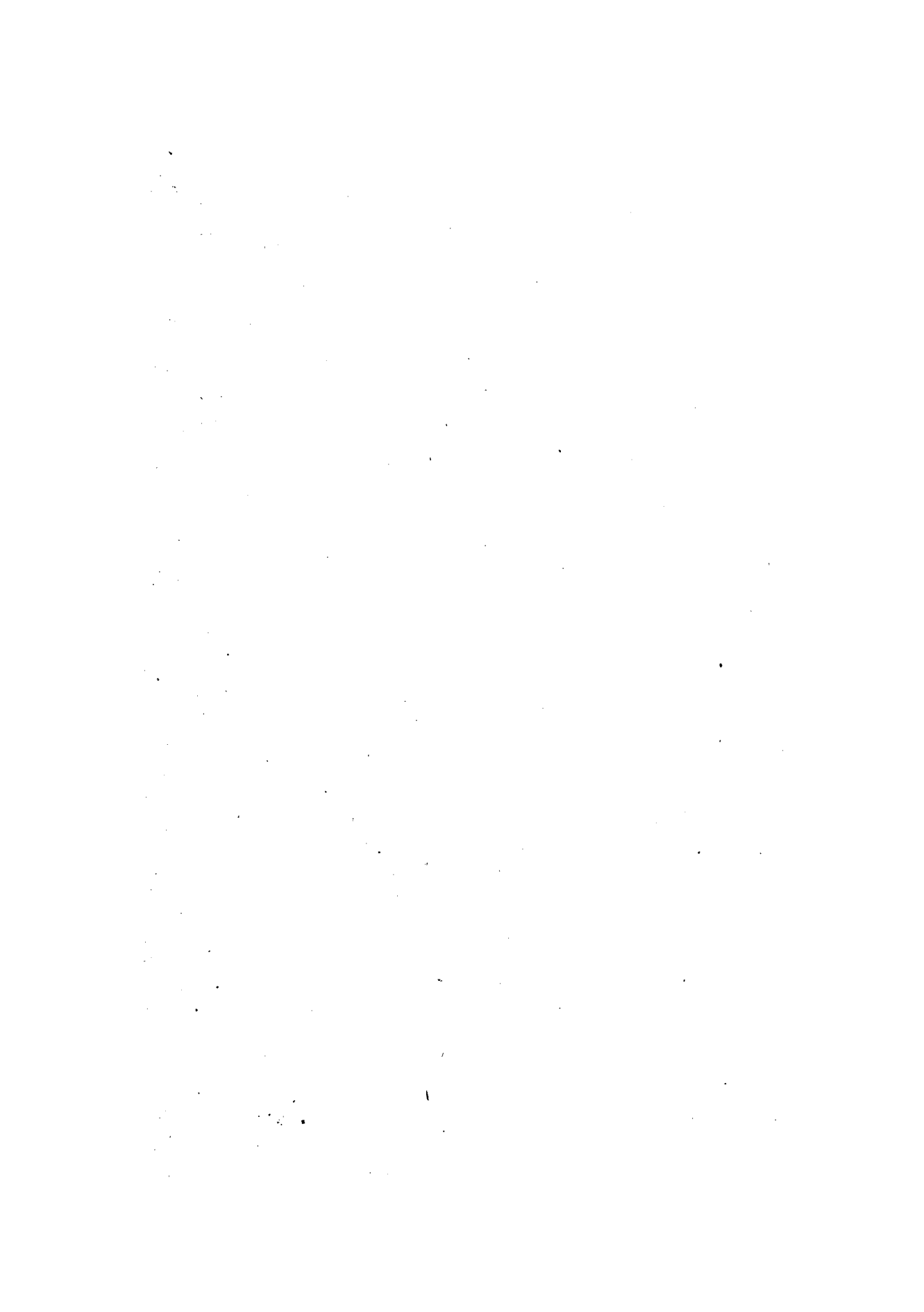
نکته مهم و اصلی در تقرب لنینیستی نسبت به دیدگاه‌ها و روندهای اجتماعی عبارت از وحدت عضوی عینیت علمی و ارزیابی آنها بر اساس مواضع اساسی طبقه کارگر می‌باشد.

لنینیسم برای مارکسیست - لنینیست‌ها و همه انقلابیون واقعی به عنوان اسلوب تفکر انقلابی و عمل انقلابی به شمار میرود. لنینیسم در جریان تجربه ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و پراتیک زنده جنبش رهائی بخش همواره از طرف حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

و جنبش کمونیستی بین‌المللی بارور و مستغنی گردیده است. احزاب کمونیستی با تکیه بر میراث ایدئولوژیکی لنین. به کار شگرف آفرینندای دست یازیده و به‌طور آشتی‌ناپذیر علیه ایدئولوژی مدرن بورژوازی و تحریفات راست و چپ‌تئوری انقلابی مبارزدمی کنند. مارکسیسم - لنینیسم دکتترین سترگ بین‌المللی است. هر نوع اقدام در برهم‌زدن یگانگی مارکسیسم - لنینیسم و انشعاب وجدائی مصنوعی به‌عذر «واریانت» های گوناگون ملی یا منطقه‌ای همواره به‌تجدید نظر در اصول تئوری انقلابی طبقه‌کارگر می‌انجامد. این تئوری بنا به طبیعت خود مختصات و سهم‌همه کمونیستها، کارگران انقلابی و عموم زحمتکشان را در بر دارد.

خلق شوروی، خلق‌های کشورهای سوسیالیستی، طبقه‌کارگر جهانی و همه بشریت ترقیخواه بابرگزاری صدمین سالگرد تولد لنین بایده‌ها و فعالیت‌های رهبر پرولتاریای جهانی و همه زحمتکشان، انقلابی بزرگ و کمونیست برجسته‌ای که در صدر نیروهای موجد دگرگونیهای عظیم اجتماعی به‌سود زحمتکشان قرار داشت، بیش از پیش آشنا می‌گردند. خلق شوروی، خلق‌های کشورهای سوسیالیستی، طبقه‌کارگر جهانی و همه بشریت ترقیخواه بابرگذاشت صدمین سالجشن لنین بزرگ، درقبال این متفکر نابغه تحسین عمیق و بی‌شائبه خود را ابراز می‌دارند. لنین دانشمندی بزرگ در امر انقلاب و انقلابی بزرگی در امر دانش بود. او بانوغ‌خویش مرحله‌نویسی را در گسترش تئوری مارکسیستی در پیش روی نهاد و همه احزاب کمونیستی را از مارکسیسم - فلسفه، اقتصادسیاسی و کمونیسم علمی - مستغنی گردانید.

با برگزاری صدمین سال تولد لنین، خلق شوروی، خلق‌های
کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و همه مبارزان انقلابی،
نیروهای خود را سان دیده و دورنماها و وظایف مربوط به فعالیت خود
را مشخص سازند و وحدت رزمی خویش را در مبارزه به خاطر صلح،
دموکراسی و سوسیالیسم استحکام می‌بخشند.



۱ لنین، بنیان‌گذار حزب طراز نوین پرولتری تئوریسین و سرکرده انقلاب سوسیالیستی

۱ - سرمایه‌داری جهانی در مقطع دو قرن به آخرین مرحله خود، امپریالیسم، نزدیک شده بود. در آن موقع گذار انقلابی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم به ضرورت حادث تحول اجتماعی بدل گردید. تاریخ جهانی به نقطه عطف خود رسیده بود. پروولتاریای جهانی به عنوان نیروی مستعد و آماده اجتماعی در رهبری مبارزه برای پایان دادن استثمار انسان از انسان و تغییر بنیادی در همه شئون زندگی اجتماعی وارد کارزار گردیده بود. گردان روسی طبقه کارگر به رهبری حزب بلشویک که لنین آن را بنیان نهاد، و طبقه تحقو این رسالت تاریخی را بسرعه گد گرفت. لنینیسم که پس از مارکس و انگلس به تعمیم پراتیک همه جنبش طبقه کارگر پرداخت و اشکال نوین مبارزه پروولتاریائی و سازمانی را تدارک دیده بود، سلاح تئوریکی نیرومند ایدئولوژی مدون بر زمینه و برنامه عمل انقلابی را

برای طبقه کارگر جهانی فراهم آورد.

در آغاز قرن بیستم، روسیه گره حساس تضادهای امپریالیسم جهانی بود و تمام تضادهای اجتماعی و اقتصادی نمونه‌وار آن زمان چون تضاد بین کار و سرمایه، تضاد بین سرمایه‌داری گسترش یافته و بازمانده‌های متعدد فتودالیسم و سرواژ، تضاد بین مناطق رشد یافته صنعتی و مناطق عقب مانده را در خود جمع داشت. سیستم فشار سیاسی و فکری و ایدئولوژی و آزار ملیت‌ها که از خصایص اشرافیت تزاری بود به این تضادها حدت خود ویژه‌ای می‌داد. مسائل مطروحه این سرزمین چون محسوس یوغ مالکان ارضی، رهایی زحمتکشان از بردگی سرمایه‌داری و فشار بر ملیت‌ها و ضرورت تغییرات سوسیالیستی، جزء مسائل مبتلا به بسیاری از کشورهای دیگر هم بود.

روسیه کشوری بود که در آنجا سرمایه‌داری به سطح رشد متوسطی رسیده بود و به سرعت به طرف مرحله انحصاری گام برمی‌داشت. جامعه روس معرف تضادهای تأثیر انگیزی بود. بیشتر سکنه کشور در روستاها میزیست. در عین حال روسیه به لحاظ تمرکز شدید تولید صنعتی و سازمان انقلابی طبقه کارگر جای شاخصی داشت. روسیه به عنوان یکی از بزرگترین دولتهای جهان همواره جزئی از بلوکهای امپریالیستی وابسته به کشورهای رشد یافته تر سرمایه‌داری بود. فرهنگ روسیه با اینکه معرف آثار کلاسیک ادبی، هنری و دانش به جهانیان است، معذالک سه چهارم جمعیت آن بیسواد بودند.

تزاروقش‌های فوقانی بورژوازی و مالکان ارضی روسیه در پاسداری و ابدی ساختن مناسبات کهن اجتماعی تلاش می‌ورزیدند.

کارگران مورد استثمار و حشیانه سرمایه بودند، دهقانان در زیر یوغ مالکان ارضی نیست و نابود می‌شدند. خلق‌های ستمدیده ایالت‌های ملی علیه نظام بورژوازی و مالکان ارضی به مبارزه بر می‌خاستند. روسیه به یکی از حلقه‌های بسیار ضعیف سیستم جهانی امپریالیسم بدل شده بود. در چنین شرایطی مبارزه طبقه کارگر در راه گسترش سوسیالیستی و دموکراتیکی کشور اهمیت تاریخی جهانی کسب نمود. بنا به گفته مارکس و انگلس، روسیه گردان پیش‌قراول جنبش انقلابی در اروپا محسوب می‌شد.

طبقه کارگر به عنوان نیروی عمده انقلابی جامعه با گسترش روز افزون مبارزه خود علیه استبداد و بورژوازی همه استثمار شوندگان را بدور خود جمع نموده بود. پرولتاریا با تجمع در مراکز بزرگ مناطق صنعتی تحت رهبری حزب مارکسیستی، مکتب انقلابی باروری را می‌گذرانید، تأثیرات رفورمیستی و دیگر تأثیرات منفی و تأثیرات مختلف الجوانب در جریان این مبارزه حاد طبقاتی یکی پس از دیگری زایل می‌گردید و از تجربه‌ها و بهترین سنت‌های انقلابی پرولتاریای جهانی بهره برداری می‌شد.

پرولتاریای روسیه از ابتدای مبارزه سیاسی خود توانست به تئوری علمی جنبش‌رئانی بخش یعنی دکتترین مارکس و انگلس تکیه نماید. گسترش اجتماعی - اقتصادی روسیه، تشدید تضادهای طبقاتی، سنت‌های انقلابی ناشی از شورش‌های دهقانان، فعالیت‌های رادیکال، دسامبرست‌ها، گرتسن، چرنیشفسکی و سایر دموکرات‌های سالهای ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ نویسان انقلابی سالهای ۷۰ قرن نوزده

زمینه مساعدی را در متداول کردن و کار بست مارکسیسم فراهم آورد. تنها حزب بلشویک‌ها بر هبری لنین در خورد این شایستگی بود که توانست سوسیالیسم علمی را با جنبش توده‌ای کارگری در آمیزد و تئوری مارکسیستی را در شرایط جدید آن بسط و توسعه دهد و آن را در پراتیک انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیستی به کار بندد.

۲ - لنین ایجاد و تحکیم حزب انقلابی طبقه کارگر را شرط لازم کامیابیهای انقلاب سوسیالیستی می‌دانست و معتقد بود که حزب پرولتاریائی چنان اهرم مساعد نیرومندی است که قادر به «زیر و رو کردن روسیه» تواند بود.

فعالیت وسیع ایدئولوژیکی و تئوریک لنین، انتقادی از سوسیالیسم نارودنیک خرده بورژوازی، مبارزه آشتی ناپذیرش علیه جریان‌های رفورمیستی و دیگر جریان‌های اپورتونیستی مقدم بر تأسیس حزب راهها را همواره نمود. بدون چنین پاکیزگی ایدئولوژیکی تلفیق مارکسیسم با جنبش‌رئائی بخش و پیروز گردانیدن سیاست مستقل طبقاتی پرولتاریا امکان پذیر نبود.

تأسیس حزب بلشویک - حزب طراز نوین - برای اولین بار در تاریخ جنبش بین‌المللی سوسیالیستی پیروزی گرایش مارکسیستی و انقلابی بودن واقعی را در جنبش کارگری روسیه عیان داشت. ضرورت استقرار دیکتاتور پرولتاریا که مارکس و انگلس، از دیدگاه تئوری لزوم آن را در ساختمان جامعه نوین با ثبات رساندند و سپس لنین جوانب مختلف آن را روشن گردانید، در برنامه حزب طبقه کارگر جای نمایانی احراز کرد.

لنین در آثار خود چه باید کرد، يك گام به پیش دو گام به پس و غیره تجربه عظیم جنبش انقلابی را تعمیم داد و دکتربین هماهنگ حزب طراز نوین پرولتاریائی را مدون ساخت. لنین می گوید حزب باید به پیشقر اول پرولتاریا و گردان متشکل او بدل گردد و دارای ویژگیهای شکل عالی سازمان سیاسی باشد. حزب طبقه کارگر را در امر تعیین سر نوشت اش یاری می رساند و او را از رسالت تاریخی جهانی اش می آگاهاند و توده های کارگر را در انجام این رسالت متشکل می سازد. لنین تأکید می نماید که بدون تئوری انقلابی، جنبش انقلابی وجود ندارد. تنها يك حزب مجهز به تئوری پیشاهنگ می تواند نقش رزمی پیشقر اول را ایفاء کند.

لنین و بلشویک ها بدل ساختن حزب را به باشگاه مباحثات و تجمع غیر متجانس فراکسیونها و گروهها زیانبخش می دانستند و معتقد بودند که اتحاد یکپارچه ای صفوف حزب شرط لازم نیرو و قدرت وی می باشد. به همین علت علیه هر نوع اقدام در جهت تضعیف وحدت و انضباط آهین حزب به شدت مبارزه می نمودند.

حزب بلشویک به عنوان حزب واقعی انترناسیونالیستی پرولتری بنیان نهاده شد و در جریان مبارزه رشد و گسترش یافت. این حزب بنا باید ثلوثی، ساختمان حزبی و ویژگی فعالیت خود عمیقاً انترناسیونالیست است. حزب بلشویک با متشکل ساختن پرولتاریای يك کشور کثیر المله از بدو پیدایش خود جزء مکمل مجموعه ای واحد گردان مبارزه جنبش کمونیستی بین المللی بوده است.

بلشویک ها بر هبری لنین و وظیفه خود می دانستند که مسائل مربوط

به تدارك و بهبود طرق و شیوه‌های مبارزه طبقه‌کارگر و تجهیز حزب به استراتژی و تاکتیک انقلابی را حل و فصل نمایند. لنین باروحي پیگیر در راه سازماندهی حزب واقعی و مؤثر پرولتری مبارزه کرد و عمل سازشکارانه احزاب بین‌الملل دوم را که به تدریج به احزاب طرفدار رفرم‌های اجتماعی بدل شده و با سیستم سیاسی جامعه بورژوازی کنار آمده و فعالیت خود را به شیوه‌های علنی کار و به‌طور کلی فعالیت پارلمانی محدود می‌ساختند، با دقت خاصی فاش و بر ملا ساخت. بلشویکها در تلفیق صحیح شیوه‌های مبارزه علنی و غیر علنی، پارلمانی و غیر پارلمانی، مسالمت‌آمیز و قهرآمیز که خود بر حسب شرایط و اوضاع و احوال با انعطاف خاصی از آنها سود می‌جستند، نمونه درخشانی ارائه دادند. بلشویکها در عین حال از مبارزه در راه رفرم‌ها غافل نبودند ولی آنها همیشه این مبارزه را مانند همه فعالیت‌های دیگر خود وسیله‌ای برای تدارك انقلاب می‌دانستند.

لنین معتقد بود که مبارزه در دو جبهه - علیه اشکال راست و چپ اپورتونیزم و رویزیونیسم شرط ناگزیری برای کامیابی حزب مارکسیستی، گسترش و پیروزی جنبش کارگری است.

لنین در سراسر فعالیت انقلابی خود، علیه جریان‌های مخالف سوسیالیسم علمی که خود را در پشت پرچم مارکسیسم پنهان می‌دارد به‌طور آشفتنی ناپذیری مبارزه کرده است. لنین طبیعت بورژوائی لیبرال رفرمیسم «مارکسیست‌های علنی» و «اکونومیست‌ها» را مورد انتقاد عمیق خود قرار داد. حزب و لنین در دفاع از اصول انقلابی مارکسیسم و مبارزه در راه پیروز گردانیدن این اصول علیه منشویسم، این جریان اپورتونیستی

بسیار خطرناک در درون جنبش کارگری روس، سرسختانه مبارزه کرده و اپورتونیزم رهبران سوسیالیست راست را درپهنه بین‌المللی مورد انتقاد شدید خود قرار دادند. لنین در عین حال «ماوراء انقلابیگری» خرده بورژوازی را که باناچیز شمردن شرایط واقعی مبارزه طبقاتی پرولتاریا او را به ماجراجوییهای سیاسی کشانیده و جنبش کارگری را در محاق شکست قرار می‌دهد، مردود و بی‌اعتبار دانسته است.

تأسیس حزب بلشویک باز گشاینده مرحله‌نویینی در جنبش کارگری روس و در جنبش کارگری بین‌المللی است. پرولتاریا برای اولین بار صاحب چنان تشکیلات شایسته‌ای شد که توانست در شرایط نوین تاریخی مبارزه در راه آزادی اجتماعی این طبقه را با کامیابی رهبری نماید.

۳ - در عصریکه سرمایه‌داری به مرحله امپریالیستی ارتقاء یافت و جنبش پرولتری به جنبش توده‌ای بدل گردید بسط تئوری مارکسیستی و تدوین استراتژی و تاکتیک انقلابی در انطباق با شرایط نوین تاریخی ضرورتی اجتناب ناپذیر بود.

لنین در اثر خود به نام گسترش سرمایه‌داری در روسیه که حاوی واقعیت اقتصادی روسیه و گرایشات سرمایه‌داری جهانی بود ثابت نمود که در آتیه نزدیکی آنتاگونیزم اجتماعی-اقتصادی در شهرها و روستاها تشدید می‌یابد. او تغییراتی را که در ساخت طبقاتی جامعه حادث می‌گردید، در تمام زمینه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و متحدین واقعی پرولتاریا را در انقلابات بورژوا دمکراتیک و سوسیالیستی تعیین نمود. لنین نشان داد که در کنار طبقه کارگر، این نیروی اصلی انقلاب، دهقانان نیز می‌توانند نقش مهمی را در مبارزه انقلابی ایفاء نمایند.

لنین ثابت نمود که دهقانان زحمتکش نه تنها به ط-ور عینی تحت تأثیر موقعیت اجتماعی و مبارزه در راه از میان برداشتن مالکیت های بزرگ اراضی در امر انقلاب بورژوا دموکراتیک ذینفع هستند، بلکه درواژ گونی قدرت سرمایه هم ذینفع می باشند، زیرا آنها سوسیالیسم می توانند مسأله ارضی را به طور بنیادی حل و فصل نمایند. لنین گرایشات عمده تحول ارضی سرمایه داری را در جهان و پروسه تجزیه طبقاتی را در روستا مورد بررسی قرار داد. او بانبوغ خویش روشن ساخت که روش طبقه کارگر نسبت به قشرهای مختلف دهقانان در مراحل مختلف انقلاب چگونه باید باشد و براین اساس تئوری و برنامه مربوط به مسأله ارضی را تدارک دید.

لنین در کتاب خود «دوتاکتیک از سوسیال دمکراسی در انقلاب دموکراتیک» و دیگر آثارش ضمن تحلیل تجربه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و تجربه جنبش کارگری اروپا مدلل ساخت که بعد از این تاریخ، در مبارزه رهایی بخش، سرکردگی با پرولتاریاست. و سرکردگی پرولتاریا در اتحاد با همه دهقانان در جریان انقلاب بورژوا دموکراتیک، ضرورتاً در انقلاب سوسیالیستی به سرکردگی پرولتاریا در اتحاد با دهقانان بی چیز و همه توده های استثمار شونده شهر و ده تحول می یابد. لنین می نویسد «... انقلاب دمکراتیک به ثمر رسیده، ما بی درنگ... به انقلاب سوسیالیستی نزدیک می شویم. ما در مقابل انقلاب پی در پی قرار داریم و در نیمه راه متوقف نخواهیم شد.» (مجموعه آثار، جلد چهارم، صفحه ۲۴۴).

این استنتاجات به روی جزم اندیشی سوسیال دمکرات سنتی خط بطلان کشید. طبق نظر سوسیال دمکرات جزم اندیش، انقلاب بورژوازی

باید يك مرحله طولانی از تسلط سرمایه‌داری را در برگیرد. لنین نشان داد که در عصر امپریالیسم حل وظایف دمکراتیکی و سوسیالیستی در رسیده است. و در چنین شرایطی سیاست اتحاد پروتاریا با اقشرهای متوسط در مبارزه به خاطر دموکراسی و سوسیالیسم اهمیت خود ویژه‌ای کسب می‌نماید. گسترش رویدادهای انقلابی در روسیه و در سایر کشورها درستی این پیش‌بینی لنین را به ثبوت رسانید.

تدوین تئوری علمی امپریالیسم بررسی طبیعت و تضادهای درونیش و قوانین آن نشان‌دهنده نبوغ و شایستگی تاریخی لنین است. تجزیه و تحلیل لنینیستی امپریالیسم در کتاب امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه‌داری و دیگر آثار، به معنای ادامه بلاواسطه و گسترش ایده‌های کاپیتال کارل مارکس است. لنین ثابت نمود که مرحله انحصار طلبی سرمایه‌داری، مرحله نهائی آن و شب فردای انقلاب سوسیالیستی است. تجزیه و تحلیل گسترده مرحله نوین تاریخ جهانی به لنین امکان داد که امکانات بسیار وسیع جنبش انقلابی عصر امپریالیسم را مشخص نماید.

لنین با کشف قانون گسترش ناموزون اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری در مرحله امپریالیسم به این نتیجه رسید که همه کشورها در يك زمان به استقرار سوسیالیسم نائل نمی‌گردند و پیروزی سوسیالیسم زمانی جبری و ناگزیر می‌گردد که جبهه امپریالیسم در کشور پیشرفته‌تر سرمایه‌داری تضعیف شده باشد. این يك تز جدیدی از دانش مارکسیستی بود. این تز به‌طور بنیادی ایده‌های قبلی را که ناشی از شرایط پیروزی نظام جدید بود، تغییر داد و پروتاریای روس و سراسر جهان را با

دورنمای روشنی از مبارزه آشنا ساخت. لنین در آن موقع جریان‌ی را که در آینده تحت تأثیر پیروزی سوسیالیسم در یک یا چند کشور و ناگزیری مبارزه دو سیستم در عرصه بین‌المللی به روندهای اساسی گسترش اجتماعی بدل می‌گردد، پیش‌بینی کرد.

لنین با توجه به شرایط نوین تاریخی، مسأله ملی را در همه حالات متصور آن مورد بررسی قرارداد و اندیشه پیوستگی مبارزه طبقاتی پرولتری را با مبارزه در راه رهائی از یوغ ملی و یگانگی مبارزه در راه سوسیالیسم را با مبارزه رهائی‌بخش ملی خلق‌های ستمدیده توجیه و تحلیل نمود.

ضرورت درک روندهای نوین گسترش تاریخی و تکامل روش شناسی مارکسیستی و وظایف مبارزه ایدئولوژیکی از حزب بلشویک و رهبر آن طلب می‌نمود که تحلیل بسیار عمیقی از مسائل فلسفی معاصر ارائه دارد. آثار لنین چون ماتریالیسم و آمپریو کریتیسیسم، دفاتر فلسفی و غیره مفاهیم آثار مارکس و انگلس را در زمینه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی بسط و گسترش داد. لنین درباره مسائل جدید علمی که پس از مارکس و انگلس فراهم آمده بود، به تحلیل فلسفی پرداخت و از اصول اساسی ادراک مارکسیستی جهان‌وشیوه مارکسیستی دفاع کرد و آن را گسترش داد و از مفاهیم ایده‌آلیستی و متافزیککی به تفصیل انتقاد نمود.

تحقیقات لنین در زمینه دیالکتیک ماتریالیستی و بررسی مسائل مربوط به تئوری شناخت مارکسیستی و برداشت وی در پیوستگی علوم طبیعی و فلسفه واجد اهمیت به‌سزایی است. لنین اولین متفکر

قرن حاضر است که در بطن کامیابی‌های علوم طبیعی عصر خود طلوع انقلاب عظیم علمی را پیش‌بینی کرد و توانست مفهوم انقلابی کشفیات اساسی کاشفین بزرگ طبیعت را آشکار ساخته و آن را به‌طور فلسفی تعمیم دهد. لنین در زمینه فلسفی اطلاعات جدید علمی عصر «زیرورو شدن اصول» در رشته‌های بس مهم علوم طبیعی را به نحو درخشانی تفسیر نمود. مفهوم آفرینی وی از خصوصیت لایزال ماده به‌اصل عام شناخت در زمینه علوم طبیعی بدل شده است.

لنین دیالکتیک رشد و گسترش اجتماعی. تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست، روابط منطقی و متقابل هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی و بسیاری از مسائل دیگر را بطور همه‌جانبه مورد بررسی قرار داده است. مسائل مربوط به گسترش اجتماعی که توسط لنین تدوین گردیده است با احکام پراتیک انقلابی و مبارزه ایدئولوژیکی بستگی تامی دارد. لنین با انتقاد از ذهن‌گرایی در فلسفه و جامعه‌شناسی به مبانی ایدئولوژیکی اراده‌گرایی (ولونتاریسم) و حادثه‌گرایی (آوانتوریسم) در سیاست ضربات خردکننده‌ای وارد آورد. مبارزه وی علیه مفهوم قدرگرایی (فاتالیسم) و فاقد اختیار بودن انسان که شالوده تئوریک تاکتیک اپورتونیسم راست می‌باشد دارای اهمیت بس مهمی است. لنین با تأکید اهمیت قاطع شرایط عینی و گرایش‌های گسترش اجتماعی، پیوسته ژرفای تحلیل علمی مقتضیات تاریخی را با شناخت بس جسورانه اهمیت‌انرژی انقلابی ابتکار آگاهی، سازمان و تشکیلات توده‌ها، طبقات، احزاب و فعالیت شخصیت‌ها در هم می‌آمیخت. بصیرت دیالکتیکی وی به اتکای فعالیت عامل ذهنی در آستانه در

رسیدن مقدمات عمومی گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم سبب کشف امکانات نوین تسریع روندهای انقلابی گردید. لنین می‌آموزد که مقدمات قطعی کامیابی‌های انقلاب به تمایل زحمتکشان در ایفای عمل انقلابی استعداد و قابلیت آنها در انجام این عمل و به آگاهی اراده‌استوار قدرت سازمانی و تجربه مبارزه زحمتکشان بستگی دارد.

۴- نقش انقلابی و دگرگون‌سازنده تئوری مارکسیستی - لنینیستی، وحدت این تئوری با پراتیک انقلابی فعالیت حزب بلشویک به رهبری لنین در پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر شکوه درخشانی یافته است.

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ استبداد تزاری را درهم شکست و قدرت را بدست بورژوازی داد. وظیفه‌ای که در این هنگام برای طبقه کارگر مطرح گردید عبارت بود از وظیفه عملی گذار به مرحله جدید یعنی به دست گرفتن قدرت سیاسی و مبارزه در راه سوسیالیسم. لنین برای گذار به انقلاب سوسیالیستی، حزب و طبقه کارگر را با برنامه عمل عینی و مشخصی مجهز ساخت. او در ترزهای کار و اسناد کنفرانس آوریل و ششمین کنگره حزب و در مقالات و سخنرانی‌های خود شعارهای استراتژیکی و تاکتیکی جالبی که دارای نقش برانگیزاننده عظیمی بود، پیشنهاد کرد. لنین متذکر می‌گردد «آنچه که در موقعیت کنونی روسیه جنبه اصلی دارد همانا گذار از اولین مرحله انقلاب به دومین مرحله آنست یعنی انتقال قدرت از بورژوازی به پرولتاریا و قشرهای بی‌چیز دهقانان. بدیهی است که در مرحله نخست نارسائی درجه آگاهی و سازمانی پرولتاریا سبب گردید که قدرت در دست بورژوازی قرار

گیرد.» (مجموعه آثار جلد ۲۴ صفحه ۱۲).

بلشویکها با برنامه روشن خود انقلاب مسلحانه سوسیالیستی را از اغراض فاجعه آمیز ملی و سیاست جنایت آمیز تزارسم و طبقات استثمارگر مصون داشتند. بلشویکها تنها حزب ویرانگر جامعه کهن نبودند، بلکه این حزب شایستگی خود را در بنای جامعه نوین به جهانیان نشان داد. دولت و انقلاب، فاجعه قریب الوقوع و راههای دفع آن، آیا بلشویکها قدرت را در دست خود حفظ خواهند کرد؟ و دیگر آثار لنین در این دوره برای حزب يك برنامه واقعی در جهت دگرگونیهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به شمار می رود.

صراحت دستورالعمل های برنامه و پایداری در راه تحقق آن به بلشویکها امکان داد که بخش بزرگی از طرفداران احزاب اپورتونیست، منشویکها و سوسیالیست های انقلابی را از زیر نفوذ آنها برهانند. و اکثریت زحمتکشان را به سوی خود جلب کرده ارتش سیاسی انقلاب سوسیالیستی را سازمان دهند. مبارزه طبقه کارگر در راه سوسیالیزم، مبارزه همه خلقها در راه صلح، مبارزه دهقانان به خاطر زمین و مبارزه رهایی بخش ملی خلقهای ستمدیده روسیه در جریان واحدی متحد گردید.

بین فوریه و اکتبر ۱۹۱۷، حزب بلشویک به رهبری لنین در کاربست اشکال و شیوه های مبارزه طبقاتی، ترکیب صحیح این اشکال و شیوه ها و جانشین کردن هر يك از آنها به جای یکدیگر و گزینش مؤثرترین آنها به اقتضای زمان، نمونه های بی شماری ارائه داده است. لنین با تدوین همه جانبه دکترین موقعیت انقلابی و قیام مسلحانه به

تئوری مارکسیستی یاری برجسته‌ای رسانیده‌است.

حزب، توده‌های مردم را ورپورش به‌دژ سرمایه‌داری، درست در آن هنگام که همه شرایط متناسب عینی و ذهنی فراهم گردید، بحران ملی بسرحد کمال خود رسیده بود و سر تا پای جریان مبارزه آگاهی اراده، شور هیجان دهها میلیون انسان را برانگیخته بود، به خوبی رهبری نمود. حزب بلشویک به رهبری لنین لزوم ارزیابی مارکسیستی قیام را به‌مثابه یک کارظریف هنری به‌انجام رسانید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نمونه درخشان راه‌حل اساسی مسائل اجتماعی وژگونی مسلط استثمارگران، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، دگرگونی مالکیت خصوصی سرمایه‌داران و اشرافیت روستایی به مالکیت سوسیالیستی، راه‌حل منصفانه مسأله ارضی بسود دهقانان؛ آزادی خلقهای وابسته به یوغ استعماری و ملی، ایجادمقدمات سیاسی و اقتصادی ساختمان سوسیالیسم- رابه‌جهانیان ارائه داده‌است.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نخستین عمل پیروزمندانقلاب سوسیالیستی جهان است این انقلاب سیمای سیاسی اجتماعی و اقتصادی دولتی بزرگ را تغییر داد و جنبش رهائی‌بخش ملی را به سطح عالیتری رسانید. لنین در این باره می‌گوید «انقلاب اکتبر راههائسی را که به سوسیالیسم ختم می‌گردد بروی جهانیان گشود و به بورژوازی نشان داد که پایان فرمانروائیش در رسیده‌است.» (مجموعه آثار جلد ۲۸ صفحه ۳۹) با این انقلاب فصل نوین تاریخ جهانی گشوده شد.

سوسیالیسم، مظهر ایده‌های لنینیسم است

۵- پس از پیروزی انقلاب اکتبر مسائل تئوریک و پراتیک ساختمان سوسیالیسم و دورنماهای گسترش انقلاب جهانی در لنینیسم جای اصلی و نمایانی احراز می‌کند، سازندگی تاریخی جهانی لنین و حزب بلشویک‌همانا اعمال رهبری در آفرینش اولین جامعه سوسیالیستی در جهان است. ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و گام نهادن سایر کشورها براه سوسیالیستی مظهر واقعی دگرگون‌کننده انگلس و لنین است.

دگرگونی‌های سوسیالیستی در روسیه، آغاز تغییر انقلابی در سینمای اجتماعی سیاره ما را ترسیم کرد و برای جنبش‌رهای بخش جهانی شالوده دولتی مطمئن را بوجود آورد. نمونه شوروی در سایر بخش‌های جهان تأثیر انقلابی بس شگرفی به‌جای نهاده است. لنین می‌گوید بعد از این مبارزه دو اردوگاه - سوسیالیسم و کاپیتالیسم - محور سیاست جهانی و همه مناسبات خلقها خواهد بود.

مشکل ترین مسأله ای که جمهوری شوراهای بدو می بایست به حل آنها مبادرت ورزد عبارت از پر کردن خلاء بین عظمت و شگرفی وظایف در دست اجرا و فقر مادی و معنوی بود. در کشور يك نظام سیاسی پیشاهنگی مستقر گردیده و وسایل عمده تولید به مالکیت اجتماعی در آمده بود. در عین حال کشاورزی خرده پا در کشور دارای تفوق و برتری بود و عقب ماندگی فنی - اقتصادی که بر اثر جنگ ویرانگر جهانی اول، جنگ داخلی و دخالت خارجی تشدید یافته بود، امری محسوس و آشکار بود. در چنین شرایطی، مسأله امکانات و راههای گسترش سوسیالیستی کشور ما حدتی استثنایی یافت.

لنین معتقد بود که کشور شوراهای برای ساختمان جامعه سوسیالیستی همه وسایل لازم و اساسی را بقدر کافی در اختیار دارد. او به نیروی شگرف سازمانی دولت جدید کارگری و دهقانی و امکانات آفریننده و بی پایان توده های انقلابی عمیقاً اعتقاد داشت. مفهوم لنینیستی مسائل مربوط به ساختمان سوسیالیستی در آثار لنین چون وظایف فوری دولت شوراهای، درباره چپ روی و ایده های خرده بورژواها، ابتکار شگرف، اقتصاد و سیاست در دوره دیکتاتوری پرولتاریا مالیات جنسی، درباره تعاون، درباره انقلاب ما، چگونه نظارت و تقطیش کارگر و دهقان تجدید سازمان مییابد، و در دیگر آثار وی بطور علمی توجیه و تشریح شده است.

تروتسکیستها و «کمونیستهای چپ» در قبال لنین مواضع مخالفی اختیار کرده بودند. «کمونیستهای چپ» اجرای فوری اصول کمونیستی را بدون تدارك شالوده لازم اقتصادی که تقاضایی حادثه.

جویانه بود، پیشنهاد می کردند. تروتسکیستها اعلام می داشتند که حفظ روسیه انقلابی در قبال اروپای محافظه کار، پنداری نامعقول است. پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشورهای غربی، پیروزی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی امکان پذیر می گردد حزب همه این نقطه نظرهای نومیدانه را مردود دانست و طرح لنینیستی ساختمان جامعه نوین را تصویب نمود.

لنین می آموزد، چیزیکه ماهیت سوسیالیسم را مشخص می دارد قرار گرفتن وسایل تولید در دست توده مردم و کنار زدن سیستم سرمایه داری، اداره اقتصاد و جانشین ساختن سیستم تولیدی طبق نقشه عام در جهت منافع تمام اعضای جامعه است. چنین گذاری بدون سازمان دموکراتیک همه نیروهای زحمتکش و شرکت مؤثر آنها در فعالیت دولت صورت پذیر نمی باشد. سوسیالیسم مستلزم کار بدون سرمایه داران و کنترل دولت و سازمانهای اجتماعی در امور مربوط به تدابیر کار و مصرف می باشد.

لنین کسانی را که به امید تحقق فوری جامعه ایده آل برکنار از تضادها و مشکلات در نشسته بودند، مورد ریشخند قرار می داد. سوسیالیسم نظامی است که دارای کیفیتی نو و مترقی است و بطور بنیادی از جامعه استثمارگران متمایز می باشد. سوسیالیسم اولین مرحله صورت بندی (فرماسیون) کمونیستی است که پس از سرمایه داری بر قرار می گردد و این واقعیت خود «رشد انگیز» است. گسترش سوسیالیسم روند پیچیده گذار از اشکال مادون سازمان اجتماعی در جهت اشکال عالی خویش می باشد که بنابراین تغییرات «می تواند مسدود رشد

اقتصادی کمونیسم نام گیرد.» (مجموعه آثار جلد ۲۵ صفحه ۵۰۹)
طبقه کارگر روس با اجرای وظایف مربوط به انقلاب به راه
نامشکوفی گام نهاد و در این راه با موانع و مشکلات باورنکردنی روبرو
شد. حزب کمونیست الهام بخش و سازمانده چنین فعالیت های آفریننده
که بر حسب وسعت خود بی سابقه بود، در هر گام می بایست به حل
مسائلی پردازد که تا آن زمان حل و فصل نشده بود.

جامعه نوین در سرزمینی بنا نهاده شد که از جانب جهان
سرمایه داری در محاصره قرار داشت. لنین پیش بینی کرد که این محاصره
با اعمال فشار نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی، هدف احیای
سرمایه داری و در هر حال مقصد ترمز کردن رشد اقتصادی صورت بندی
شیوه نوین زندگی و گسترش آگاهی سوسیالیستی را دنبال می کند.
تجربه تاریخ می آموزد که ساختمان سوسیالیسم همواره با
مخالفت عنودانه طبقات استثمارگر خلع ید شده نیروها و سنت های
جهان فرتوت روبرو می باشد. دولت پرولتری ضمن چیرگی بر
تردیدهای سیاسی قشرهای خرده بورژوازی شهر و روستا و بخشی از
روشنفکران کهنه پرست ناگزیر است در سرکوبی فعالیت های خرابکارانه
بورژوازی و دشمنان سوسیالیسم بکوشد. این تنها نیروهای آشکار
احیاگر وضع سابق نبودند که در زمینه تئوری و سیاست ترجمان این
نوع گرایشها بودند، بلکه همه عناصر گوناگون تجدیدنظر طلب چپ و
راست در این راه گام برمی داشتند.

پیش از درگذشت لنین حملات اپوزیسیون تروتسکیستی علیه
حزب و میراث ایدئولوژیکی لنین تشدید خود ویژه ای یافت. اینان از

طرف دشمنان علنی دولت شوروی با هیاهوی فراوانی مورد تحسین و پشتیبانی قرار گرفتند و خویشتن را در کشاکش محاصره سرمایه‌داری با حملات تجاوزکارترین نیروها تطبیق دادند. تروتسکیست‌ها سرانجام به سرایشب ضدانقلاب و سیاست ضد شوروی (آنتی سوویتیزم) در غلتیدند.

سراسر حزب و در پیشاپیش آن کمیته مرکزی حزب به دفاع از لنینیسم برخاست. حزب از لحاظ ایدئولوژیکی نقاب از چهره تروتسکیسم برگرفت و زمینه سازمانی آنرا تشریح و افشاء کرد. اپورتونیست‌های راست که با الهام از ایدئولوژی بورژوائی، خط مشی عمومی حزب را مورد تجدیدنظر قرار داده و با آهنگ سریع صنعتی کردن و دسته جمعی نمودن کشاورزی و نابود کردن کولاک‌ها به عنوان یک طبقه مخالف می‌کردند، بهمان سرنوشت تروتسکیست‌ها دچار شدند.

حزب کمونیست و مردم شوروی به اتکای کار بست تعالیم لنین راه دشوار و افتخار آمیزی را پشت سر نهادند. سوسیالیسم که ناگزیری پیروزمندیش توسط بانیان کمونیزم علمی به اثبات رسید و ساختمان آن تحت رهبری لنین شالوده‌ریزی شد، اکنون در اتحاد شوروی به واقعیت مسلم و انکارناپذیری بدل شده است.

ایجاد سیستم جهانی سوسیالیستی مبین پیشرفت تاریخی جدیدی در سیستم نیروهای اقتصادی و سیاسی جهانی بنفع سوسیالیسم و پیروزی علمی لنینیسم در مقیاس جهانی است. تحت تأثیر تلاش‌های تاریخی خلق شوروی و خلق‌های جامعه مشترك المنافع سوسیالیستی راه تکوین نظام جدید اجتماعی به روی تمام خلق‌های روی زمین گشوده شده است.

۶ - دیکتاتوری پرولتاریا وسیله اساسی ساختمان سوسیالیسم است. این دیکتاتوری به طبقه کارگر و زحمتکشان امکان داد که در مقابله با نیروی سرمایه، مناسبات بورژوازی، تجربه مدیریت و ایدئولوژی وی و روانشناسی مالکیت خصوصی اش چنان نیروئی را عرضه دارد که مبین اعتقاد، آگاهی، سازماندهی و انضباط پرولتاریایی است.

لنین با تعمیم تجربه کمون پاریس و سه انقلاب روس دکتترین مارکس و انگلس را درباره دیکتاتوری پرولتاریا تصریح کرد، و آن را بسط و توسعه داد. او اهمیت تاریخی جمهوری شوراهای این دولت طراز نوین را که بوجه قیاس ناپذیری از هر جمهوری پارلمانی بورژوائی دمکراتیک تراست، باصراحت تبیین و موشکافی کرد. لنین در این باره می گوید «اگر نبوغ خلاق طبقات انقلابی دست به ایجاد شوراهای نازده بود، انقلاب پرولتری در روسیه نویدکننده بود.» (مجموعه آثار، جلد ۲۶، صفحه ۹۹)

دولت شوروی در عمل ثابت کرد که این دولت وسیله نیرومندی در جهت بسط تولید طبق نقشه سوسیالیستی و اعتلای سطح فرهنگی جامعه و تربیت کمونیستی زحمتکشان، و وسیله ای برای حفظ منافع اجتماعی فردی و نظام نوین و مدافع دست آوردهای سوسیالیستی و پشتیبان جنبش انقلابی و آزادی بخش جهانی است.

دیکتاتوری پرولتاریا همانا استقرار دموکراسی سوسیالیستی زحمتکشان به جای دموکراسی استثمارکنندگان و سرآغاز تاریخ حکومت واقعی عموم خلق می باشد. لنین آزادی واقعی را قبل از هر چیز به رهایی کار از چنگ سرمایه، به رهایی زحمتکشان از قید استثمار و بردگی

فکری مربوط می‌دانست. لنین همواره آزادیهای سیاسی چون آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات و غیره را براساس مواضع طبقاتی مورد بررسی قرار می‌داد و آنرا شرط لازم اتحاد سوسیالیستی زحمتکشان و اشاعهٔ ایدئولوژی سوسیالیستی می‌دانست که در عین حال نافی «آزادی» تبلیغات ضد سوسیالیستی و «آزادی» سازمانی نیروهای ضد انقلابی است. در جامعه سوسیالیستی، سازمان و مدیریت مبتنی بر اصل لنینیستی سانترالیسم دموکراتیک است. این مرکزیت بطور آلی مدیریت واحد، متمرکز و طبق نقشه اقتصاد و بناگذاری اجتماعی و فرهنگی را با رشد نیروی ابتکار محلی، تنوع راهها، شیوه‌ها و طریقه‌ها در آمیخته و آنرا در جهت رسیدن به هدف مشترک به کار می‌گیرد.

لنین عدم پذیرش «ناحیه‌گرایی» را مقابله با آنارشیزم تلقی می‌کرد و «سانترالیسم بوروکراتیک» و گردن نهادن به «در آمیختگی سانترالیسم دموکراتیک با بوروکراتیسم و تشکیلات قالبی و پیش‌با افتاده» را مردود می‌دانست. (مجموعه آثار، جلد ۲۷، صفحه ۲۱۴)؛ زیرا شرط لازم گسترش نیروی ابتکار سوسیالیستی توده‌ها در رهبریت صحیح جامعه نوین می‌باشد.

توسعه تدریجی ساخت اجتماعی دولت سوسیالیستی به طور منطقی از همان طبیعت نظام نوین ناشی می‌گردد. پس از ساختمان سوسیالیسم هنگامی که عموم خلق مواضع سوسیالیستی را با قوت و استحکام پذیرا گردند، طبقه کارگر در اتحاد نزدیک با دهقانان کثوهراتیو و روشنفکران زحمتکش، مبارزه طبقاتی خود را علیه امپریالیسم جهانی و ایدئولوژی بورژوازی و خرده‌بورژوائی همچنان دنبال خواهد کرد.

دولت دیکتاتوری پرولتاریا به سازمان سیاسی عموم خلق بدل می گردد. نقش رهبریت این دولت در دست طبقه کارگر است که از جانب پیشقراول خود، حزب کمونیست، رهبری و هدایت می شود.

دولت سوسیالیستی عموم خلق کار دیکتاتوری پرولتاریا را ادامه می دهد و شالوده سازمانی مطمئنی در حل مسائل مربوط به ساختمان جامعه کمونیستی به شمار می رود. دولت عموم خلق با برخورداری از پشتیبانی همه رجمتکشان و با تکیه بر تشکیلات آگاه وی معذالك نسبت به اشخاصی که قوانین و اصول مصرح جامعه سوسیالیستی را نقض کنند بی طرف نمانده و به اتخاذ تدابیر جدی و لازم مبادرت می نماید.

دولت سوسیالیستی در هر مرحله از گسترش خویش وظیفه دارد در قبال تهدیدات نیروهای ضدانقلاب و امپریالیسم جهانی از دست آوردهای سوسیالیسم دفاع نماید. بنا به گفته لنین ارزش هر انقلاب در دفاع و حفظ آنست. «سهل انگاری در قبال دفاع از کشوری که در آن پرولتاریا به پیروزی رسیده است اتحاد و پیوستگی، با سوسیالیسم جهانی را به مخاطره می اندازد.» (مجموعه آثار، جلد ۲۷، صفحه ۳۴۷). ارتش سرخ کارگری و دهقانی - نیروهای مسلح خلق پیروزمند - که حزب ولنین بانی آن بوده اند، دست آوردهای انقلاب را در جنگ داخلی حفظ و حراست کرده است.

در جنگ کبیر میهنی خلق ما به رهبری حزب کمونیست با ابراز قهرمانی توده ای کار نمایان فنا ناپذیری را در راه سوسیالیسم بانجام رسانیده است. این جنگ با پیروزی شگرفی به پایان رسید، زیرا سوسیالیسم توانست وحدت شکست ناپذیر تمام جامعه شوروی را

تأمین نماید و قدرت و تحرك بيمانند اقتصاديش را تضمین کند و دانش نظامی را به مدارج عالی آن برساند و سربازان و افسران برجسته‌ای را در صفوف ارتش سرخ متشکل سازد. شکست نیروهای ضربتی امپریالیسم جهانی - فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن - که ارتش شوروی بنا به رسالت آزادی بخش خویش این وظیفه تاریخی را به انجام رسانید به کامیابی انقلابات دمکراتیک توده‌ای، در چند کشور اروپا و آسیا به نحو قاطعی مساعدت کرده است.

مردم شوروی با گسترش اقتصاد ملی و افزایش استعداد دفاعی کشور همه امکانات خود را برای ایفای وظیفه انترناسیونالیستی خویش در جهت تقویت قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی جامعه مشترک المنافع سوسیالیستی در مجموع خود و هر کشوری که در حال ساختمان چنین جامعه‌ای باشد به کار می‌بندند. جامعه مشترک المنافع سوسیالیستی ما قدرت شکست‌ناپذیر و استحکام و ثبات وی در دفاع از دست‌آوردهای انقلابی خلقها در قبال سیاست امپریالیستی صدور ضد انقلاب قد برافراشته است.

۷- لنینیسم می‌آموزد که ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم فقط تحت رهبری آن حزب مارکسیستی-لنینیستی میسر است که مجهز به تئوری پیشاهنگ طبقه کارگر باشد و در مبارزات آبدیده شود و از اعتماد زحمتکشان برخوردار باشد و بتواند مظهر تبیین وضع روحی توده‌ها گردد و در آنها نفوذ نماید.

قدرت حزب کمونیست اتحاد شوروی از وفاداری این حزب به اصول مارکسیسم-لنینیسم و اتکاء به سنت‌های انقلابی سرچشمه می-

گیرد. وحدت يك پارچه‌ای حزب و استحکام ایدئولوژیکی وی از صفات اخلاقی و سیاسی بلند پایه کمونیست‌هاست. هر عضو حزب کمونیست اتحاد شوروی بنا به وضع خاص خود در قبال سازمان مربوطه و تمام حزب مسئول می‌باشد. کمونیست‌ها در جنگ داخلی و جنگ کبیر میهنی و در دوران ساختمان سوسیالیسم همواره در صف مقدم مبارزان قرار داشته‌اند. آنها نقش پیشاهنگ را در تمام بخشهای ساختمان کمونیستی بر عهده دارند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با اتکاء به تئوری مارکسیستی - لنینیستی و تجربه مبارزه‌ای متر اکم به تدوین خط مشی سیاسی خود می‌پردازد و در رهبری توده‌ها زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فکری جامعه شرکت می‌جوید و فعالیت همه اجزاء دستگاه اداری را متحد و هماهنگ کرده و تحت راهنمایی خود قرار می‌دهد. حزب به کمک شوراها، ارگانهای دولتی و سازمانهای اجتماعی، بسیاری از وظایف خویش را به همان دقت سازمانهای خود به مرحله اجرا در آورده و بدینوسیله باعث تشجیع و برانگیختن ابتکار خلاق می‌گردد. سندیکاهای شوروی که بزرگترین سازمان زحمتکشان و مکتب کمونیسم برای دهها میلیون کارگر و کارکنان واحدهای مختلف تولیدی می‌باشند، نقش برجسته‌ای در گسترش جامعه ایفاء می‌نمایند. آنها تحت رهبری حزب در مبارزه برای تحکیم قدرت اقتصادی و دفاعی کشور، اعتلای سطح زندگی مردم، افزایش حاصل بخشی کار، گسترش مسابقه سوسیالیستی، جنبش کار کمونیستی، تأمین انضباط آگاهانه در امر تولید، بهبود شرایط کار، زندگی و مؤسسات استراحت زحمتکشان فعالانسه

شرکت می‌جویند.

کامسومول دستیار و ذخیره مبارزه حزب است. نطق تاریخی
لنین تحت عنوان «وظایف اتحادیه‌های جوانان» برنامه فعالیت نسل
جوان را مشخص می‌دارد. بیش از یک نسل از جوانان کمونیست و
سازندگان سوسیالیسم از لحاظ سیاسی در صفوف رزمی کامسومول کار-
آزموده و آبدیده شده‌اند.

حزب کمونیست پیشاهنگ عموم خلق شوروی و رهبر سیاسی
همه سازمانهای زحمتکشان است. این حزب با وقوف به مسئولیت
تاریخی و وظیفه‌ایکه در قبال مردم برعهده دارد، خود را از هر نوع
خوش بینی آرایشگرانه مصون می‌دارد. سفارش لنین در اینکه «در هیچ
حالتی حزب خود را در موقعیت حزبی که به نیروهای خود پربه‌اء
می‌دهد قرار ندهیم» (مجموعه آثار، جلد ۳۰، صفحه ۵۴۲) همواره آویزه
گوش کمونیست‌هاست و آن را مقدس و گرامی می‌شمارند. لنین گفته‌است
هر حزب فعال و زنده به نحو بی‌چون و چرایی به اصل انتقاد و انتقاد از
خود نیاز دارد. این قانون شرط لازم گسترش حزب و تحقق نقش رهبری
وی در جامعه می‌باشد.

حزب ما با تحلیل خصوصیت روندهای اجتماعی و تعمیم
تجربه توده‌ها و رهنمود راه‌های پیشرفت، امکانات جدید را معین‌داشت
و تدابیری اتخاذ نمود که چیرگی بر دشواریها و تضادها ممکن گردد.
حزب کمونیست اتحاد شوروی کیش شخصیت را که به سوء استفاده از
قدرت و نقص دموکراسی سوسیالیستی و برابری انقلابی می‌انجامد
به شدت محکوم کرد. حزب ذهن‌گرایی (سوبژکتیویسم) را که باعث

ناچیز شمردن قوانین گسترش اجتماعی و ندیده گرفتن رأی ارگانهای جمعی شده و تصمیمات اراده‌گرای (ولونتاریستی) را جانشین رهبری علمی می‌گرداند مردود و بی‌اعتبار دانست. اجرای دقیق اصول لنینی در حیات حزب و دولت، گسترش انتقاد و انتقاد از خود، کاربست منطقی اصل رهبری جمعی، روابط نزدیک و فشرده با توده‌ها ضامن مطمئنی در جلوگیری از تکرار چنان پدیده‌های منفی می‌باشد. حزب هر نوع تلاشی را که در جهت متوجه گردانیدن انتقاد از کیش شخصیت و ذهن-گرایی علیه منافع مردم و سوسیالیسم باشد و آن را وسیله‌ای برای بی-اعتبار جلوه‌دادن تاریخ‌ساختمان سوسیالیستی و دست‌آوردهای انقلابی و تجدیدنظر در اصول مارکسیسم - لنینیسم قرار دهند، با قاطعیت رد می‌نماید.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در سالهای اخیر در راه استقرار و گسترش اصول لنینی در حیات حزب و تأمین اصول لنینی رهبری در همه زمینه‌های فعالیت حزب فعالیت و فعالیت ایدئولوژیکی و اقتصادی کار قابل ملاحظه‌ای انجام داده‌است.

تأمین فعالیت رهبری و سازمانی حزب مارکسیستی - لنینیستی شرط اصلی تأثیر قاطع طبقه کارگر در گسترش جامعه نوین است. بنا به تعلیمات لنین و اثبات تجربه، هر نوع اقدام در تضعیف نقش رهبری حزب خطر احیای هرج و مرج ضد سوسیالیستی و استقرار نظام سرمایه‌داری را در کمین دارد.


وفاداری حزب به اصول مارکسیسم-لنینیسم، منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان، تحکیم وحدت حزب و مردم، وثیقه مطمئنی در

کار بست صحیح تعالیم لنین و تأمین پیروزیهای نوین در امر انقلاب و امر کمونیسم می باشد.

۸- بنا به آموزش لنین وظیفه اساسی پرولتاریا و همه زحمتکشان پس از کسب قدرت «آن کار مثبت و خلاق است که با ایجاد یک دستگاه فوق العاده پیچیده و دقیق با مناسبات جدید سازمانی خویش بتواند تولید و توزیع منظم نیازمندیهای حیاتی دهها میلیون انسان را در اختیار خود گیرد» (مجموعه آثار، جلد ۲۷، صفحه ۲۴۹).

لنین با بسط ترمار کس درباره مالکیت اجتماعی بمنزله شالوده اقتصادی سوسیالیسم راهها و اشکال عمده گسترش چنین مالکیتی را مشخص کرده است. صنایع بزرگ بنا به خود ویژگی اش باید در مقیاس کشوری، اجتماعی گردد. بدینجهت مفهوم ادعائی «سوسیالیسم کثوپراتیوی» که واگذاری بنگاهها و مؤسسات را در مالکیت کلکتیو لازم می داند، هیچ وجه اشتراکی با سوسیالیسم علمی ندارد. لنین می گوید «وظیفه سوسیالیسم اینست که همه وسایل تولید به مالکیت عموم خلق درآید، نه اینکه ناوها به ناویان و بانکها به کارکنان بانک و اگذار گردد.» (مجموعه آثار، جلد ۳۵، صفحه ۴۱۱، چاپ روسی)

لنین می آموزد که پایه مادی سوسیالیسم منوط بر رشد عالی تولید صنعتی در همه رشتههای اقتصاد ملی بر اساس آخرین دست آوردهای علمی و فنی است. او مینویسد پاب پای حل مسأله اجتماعی کردن وسایل عمده تولید «اضطراراً یک وظیفه اساسی در طرح برنامههای شاخصی احراز میکنند و آن تحقق و تأمین چنان ساخت اجتماعی است که بر تراز ساخت اجتماعی سرمایه داری می باشد. یعنی افزایش حاصلبخشی کار در

قیاس با آن (و نسبت به آن) و سازماندهی  بر اساس شیوه‌ای عایسر.»
(مجموعه آثار، جلد ۲۷، صفحه ۲۶۶).

برنامه الکتریفیکاسیون روسیه (گوئلرو) که به رهبری لنین تدوین گردید، موضوع ایجاد نیروهای مولده جدید را به اعتبار بهره‌گیری از انرژی برق و استفاده از مجموع ثروتهای طبیعی، به کار گرفتن تکنیک، تکنولوژی و سازمان تولیدی پیشرفته به عنوان يك هدف مهم مورد بررسی قرار داد. زحمتکشان کشورشوراها به رهبری حزب و به الهام از آئین لنین به صنعتی کردن کشور مبادرت کردند. این کار در سالهای افتخارآمیز اجرای اولین برنامه‌های پنجساله در يك مدت کوتاه تاریخی به انجام رسید و به اتحاد شوروی سوسیالیستی امکان داد که در ردیف پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان قرار گیرد.

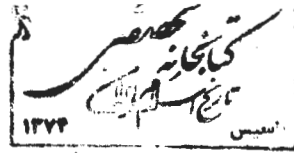
لنین به طور علمی ضرورت جلب میلیونها تولیدکننده کوچک را در راه رشد سوسیالیستی اثبات کرد و طرق عملی ساختن آن را نشان داد. لنین عقیده داشت که اشکال تعاونی با وجود اختلاف با تولید بزرگ اشکالی هستند که در جهت کلکتیوی کردن سوسیالیستی برای اقتصادیات آن‌ها مناسب‌تر می‌باشند. صورت خرده‌کالایی و سرمایه‌داری روستا در نتیجه کلکتیوی شدن اقتصاد دهقانان منفرد و گسترش وسیع ساواخوزها (اقتصادیات دولتی) جایش را به صورت بندی اقتصادی سوسیالیستی تفویض کرد. مالکیت سوسیالیستی تحت دو صورت متمایز خود مالکیت عموم خلق و مالکیت کثوپراتیوی یا کلخوزی به شالوده روابط اقتصادی در امر کشاورزی بدل گردید. اتحاد شوروی به یاری بهبود کیفی شالوده فنی خود دارای چنان کشاورزی عالی‌مکانیزه است که افزایش منابع

محصولات غذایی و مواد اولیه را موجب می‌گردد.

لنین در زمینه مسائل اساسی برنامه ریزی و رهبری اقتصاد سوسیالیستی راه حل علمی درخشانی را ارائه داده است. شالوده‌رهبی اقتصاد برنامه‌ای در تمام مراحل تحت رهبری مستقیم لنین پی‌ریزی شده است. لنین نیازهای رهبری اقتصاد برنامه‌ای را بدین شرح تبیین نموده است: خصوصیت علمی، قابلیت و داشتن استعداد در معین کردن صحیح دورنما و مراتبی که وظایف امور مربوطه در چهارچوب آن انجام گیرد، در نظر داشتن موفقیت‌های جدید علمی و فنی، توجه به تجربه پیشاهنگ، انعطاف، قابلیت و استعداد در نشان دادن عکس‌العمل سریع و دقیق در قبال تغییر شرایط.

سوسیالیسم سیستم نوین توزیع نعمات مادی را در جهان متداول نمود. هر زحمتکش، هر کسکتیوی از زحمتکشان، بر حسب نتایج زحمت خود و به‌طور کلی در قبال سهم واقعی در کار اجتماعی پاداش مادی یا مزد دریافت می‌دارد. سوسیالیسم برای اولین بار در تاریخ، برابری انسانها را در قبال وسایل تولید تأمین کرد و استثمار را از میان برداشت. ولی همانطوری که لنین نشان داد هنوز برابری کامل انسانها را در زمینه مصرف و امور مادی در این مرحله مقدور نیست.

لنین توزیع سوسیالیسم را به‌مثابه نیروی محرکی می‌دانست که به ترقی تولید و بهبود کیفیت کار و حاصلبخشی آن و گسترش ابتکار زحمتکشان مساعدت می‌نماید. معذک او تأیید می‌نمود که سوسیالیسم زمانی تحقق پذیر است که روش آگاهانه و سوسیالیستی در قبال کار تأمین گردد و توده‌ها درک لازم را نسبت به منافع عمومی خود که مستلزم



صرف وقت زیادی است احراز نمایند. لنین در وجود «شبه‌های کمونیستی» اولین نشانه‌های روش نوین را نسبت به کارملاحظه‌مینمود که «سر آغاز انقلابی دشوارتر، اساسی‌تر، بنیادی‌تر و قاطع‌تر از سرنگونی بورژوازی می‌باشد. زیرا این امر پیروزی درخشانی بر جامد فکری خاص‌ما، سستی و خودپسندی خرده بورژایی‌ما و چیرگی بر عاداتی است که سرمایه‌داری منفور برای کارگر و دهقانان به میراث نهاده است.» (مجموعه آثار، جلد ۲۹، صفحه ۴۵).

لنین گوشزد می‌نمود که کامیابی طرح‌های مادر جای اول به انسانها بستگی دارد. او خود می‌کوشید و به دیگران می‌آموخت در جستجو و آزمایش کسانی بر آیند که از «سازمان دهندگان واقعی بوده و از انسان‌هایی باشند که دارای استعداد درخشان و عقل سلیم در امر پراتیک هستند. انسانهایی که بر کنار از هر نوع هیاهو (و علیرغم هیاهو و جنجال) خود ویژگی فداکاری در راه سوسیالیسم را با استعداد انجام کار مشترک در کمال جدیت و هماهنگی با کار تعداد بی‌شماری از انسانها، در چهار چوب سازمان شوروی، درهم می‌آمیزند» (مجموعه آثار، جلد ۲۷، صفحه ۲۸۲)

برای اولین بار نتایج عظیم اصول لنینی سازمان سوسیالیستی اقتصاد، بادرخشندگی نمونه‌وار خود، در اتحاد جماهیر شوروی متظاهر گردیده است. میهن‌ما از حیث حجم تولید صنعتی که پیش از جنگ جنگ دوم جهانی در مرتبه پنجم قرار داشت، به دومین مرتبه در جهان نائل آمده است. افزایش متوسط سالیانه تولید صنعتی در زمان صلح ۱۴ درصد بوده است و این افزایش در تمام مدت استقرار حکومت

شوروی ۹/۹ درصد می‌باشد، در صورتیکه در همین مدت افزایش تولید صنعتی در ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی ۲۱ درصد بوده است. صحت پیش‌بینی لنین در اینکه با محو سرمایه‌داری نیروهای مولده جامعه اعتلای فوق‌العاده سریعی خواهد داشت، کاملاً به‌تحقق پیوسته است.

۹- لنین متذکر می‌گردد که وظیفه سوسیالیسم همانا قراردادن همه تجربه‌ها و دست‌آوردهای فرهنگ در خدمت زحمتکشان است. با انتقال قدرت سیاسی در دست طبقه کارگر، موفقیتهای علمی و فنی و هنری در تیول عموم خلق قرار می‌گیرد و دیگر زمینه‌ای برای سوءاستفاده از ذوق و استعداد انسان در جهت بهره‌کشی و استثمار دیگران موجود نخواهد بود.

برنامه‌لنینی انقلاب فرهنگی سهم مهمی در غنای تئوری و پراتیک انقلابی بوده است. محتوی اساسی این انقلاب فرهنگی دارای ویژگیهای زیرین است:

اعتلای تعلیم و تربیت عمومی، فراهم ساختن شرایط لازم برای آشناگردانیدن هر چه وسیع‌تر قشرهای توده زحمتکش به چم و خم سیاست، دانش و ارزشهای زیباشناسی. اشاعه ایدئولوژی علمی سوسیالیستی سازمان دادن تمام جنبه‌های حیات معنوی خلق بر اساس اصول این ایدئولوژی، درهم نوردیدن رسم و عادت و نقطه نظرهای خرده بورژوازی.

امروزه بیش از یک سوم سکنه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارای تحصیلات متوسطه یا عالی می‌باشند و تعلیمات متوسطه برای

عموم جنبه اجباری دارد. بیش از ۸۲۰/۰۰۰ کارمند علمی در رشته‌های مختلف اقتصاد ملی و فرهنگی کار می‌کنند. کیفیت حرفه‌ای کارگران، دهقانان و کارکنان رشته‌های مختلف که دائماً روبه اعتلاست مبین استغنائی گرانمایه اجتماعی است.

حزب موضوع پرورش فکری را در جامعه سوسیالیستی بخش مکمل وظیفه تمام حزب و همه پروتاریا می‌داند. اصول لنینی حزبیت و خصوصیت توددای ادبیات و هنر شالوده‌گرد آمدن بهترین آفرینندگان بر اساس پلات فرم سیاسی و ایدئولوژیکی حکومت شوراهای بوده است. توجه و مراقبت نسبت به استعداد و امر پژوهش خلاق با تبعیت از مشی لنینی در فعالیت فکری و ایستادگی روی اصول سیاسی و ایدئولوژیکی و صراحت ضرورت‌های اخلاقی و زیبایی‌شناسی پیوند نزدیکی دارد. لنین نسبت به آنچه که «انقلاب ادبی» ایده‌های ضد سوسیالیستی می‌باشد و تشبیهاتی که در قالب عبارات مطمئن و مد روز، نقطه‌نظرهای ارتجاعی را ارائه داشته و به یاری بندبازیهای فرمالیستی، محتوی نارلی را در حمایت خود می‌گیرد، سرسختانه دشمنی می‌ورزید. او در ارزیابی آثار هنری از هر نوع ابتدال‌گرایی و ذهن‌گرایی بهره برمی‌تافت.

فرهنگ سوسیالیستی در اعتلا و پیشبرد فکر بشریت یک پیشرفت فاحش تاریخی در سطح جهانی است.

۱۰- لنین سوسیالیسم را به‌مثابه مرحله محو تدریجی طبقات و استقرار برابری اجتماع توصیف می‌نماید. تغییر اساسی سوسیالیستی مناسبات اجتماعی روند مضاعفی در پیکر مجسوعه واحدی است. یعنی انهدام و فروریختن سیستم بهره‌کشی و شیوه زندگی مبنی بر مالکیت

خصوصی و استقرار کلکتیوی واحد برپایه سازمان یابی آگاهانه زحمتکشان شهر و روستا به جای آن.

در این تغییر اساسی، اتحاد طبقه کارگر و همه زحمتکشان بر مبنای یگانگی منافع حیاتی‌شان، واجد اهمیت تعیین کننده است و با اعمال نقش رهبری طبقه کارگر، پیوستگی مردم برشالوده مشترک‌کی در ساختمان سوسیالیسم پی‌ریزی می‌گردد.

طبقه کارگر که در لوای حکومت شوراها عمیقاً تغییر و تحول یافته و بیش از نیمی از زحمتکشان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را در بردارد، همچنان نیروی عمده جامعه سوسیالیستی است که باتکیه و پافشاری در موضوع اندیشه‌های مستحکم خود، بر ناهمگونی‌های اجتماعی غلبه می‌یابد. طبقه کارگر مهم‌ترین بخش تولید اجتماعی را می‌آفریند و پیش‌آهنگ پیشرفت تکنیک بوده و در زمینه قاطع تولید اجتماعی فعالیت می‌نماید. کارگر شوروی در عین حال معرف خطوط مشخصه یک زحمتکش آگاه صنعتی و آشنا به فعالیت فکری و قهرمان چنان زندگی نوینی است که برای پیروز گرداندن عالیترین اصول مناسبات در میان انسانها، مبارزه می‌نماید.

دهقانان زحمتکش که در طبقه‌ای از مالکیت‌های کوچک قرار داشتند، اکنون به طبقه دهقانان کلخوزی و نیروی نوین اجتماعی سوسیالیستی بدل گردیده‌اند. سیستم کثوپراتیوی کلخوزها، شیوه زندگی شوروی، تأثیر مداوم سیاست تربیتی طبقه کارگر و حزب کمونیست بر توده‌های دهقانان، در ایجاد و تکوین عادت‌های کار جمعی، در محیط زندگی و پیدایش روانشناسی جمعی و فراهم شدن آشنائی فعال به

شیوه‌های مدرن صنعتی در رهبری اقتصاد، مساعدت کرده است. از همان نخستین سالهای ساختمان سوسیالیستی، به موازات وظیفه استفاده و تجدید تربیت کارشناسان قدیمی، لنین وظیفه فراهم آوردن روشنفکران نوین را که زائیده محیط کارگری و دهقانی است، مطرح نمود. روشنفکران سوسیالیستی که تحت پرچم حکومت شوراهای پدید آمده‌اند، جزء مکمل جامعه ما به‌شمار می‌روند. اهمیت تخصص و نقش اجتماعی این روشنفکران در پیشرفت سریع علم و فن دائما رو به افزایش است. بنا به گفته لنین «تنها همکاری نمایندگان دانش و کارگران در خورد آنست که برای همیشه یوغ بدبختی، بیماری و فقر را از میان بردارد... در قبال اتحاد نمایندگان دانش و پرولتاریا و ارباب فن، هیچ نیروئی از سلاله‌ی جهل و نادانی یارای مقاومت ندارد.» (مجموعه آثار، جلد ۳۰، صفحه ۴۱۴). باید گفت که پیش‌بینی‌های لنین در این زمینه کاملا بحقیقت پیوسته است.

لنین عقیده داشت که حل مسأله ملی عامل مهمی در تأمین برابری اجتماعی و اتحاد توده‌های زحمتکش است. اصول برنامه ملی لنینسم در مسأله ملی دارای مشخصات زیر است: حق خود مختاری ملت‌ها و برابری ملت‌ها، اتحاد کارگران و دهقانان ملیتهای مختلف در مبارزه بخاطر دموکراسی و سوسیالیسم. اتحاد فشرده سیاسی، نظامی و اقتصادی خلقهای گام نهاده در راه سوسیالیستی. برابری واقعی ملت‌ها بر پایه تأمین رشد آزاد و بیاری کوششهای متحد اقتصادی و فرهنگی آنها.

منافع طبقه کارگر ايجاب می‌کند که کمونیستها به يك اندازه از کم بهادادن به ویژگیهای ملی و مبالغه در این خصوصیات پرهیز نمایند.

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در مبارزه خود علیه کج رویهای ناسیونالیستی و شونیسم عظمت طلبانه، هر نوع ناسیونالیسم و نیهلیسم در مسأله ملیت که با سوسیالیسم سنخیتی ندارد، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دولت کثیرالملله سوسیالیستی متشکل از اتحاد و او طلبانه جمهوریهای دارای حقوق و حاکمیت برابر تحت رهبری لنین بنیان نهاده شد. اصول انترناسیونالیسم پرولتری، یگانگی سازمان اقتصادی و سیاسی جامعه، اشتراک ایدئولوژیکی و فرهنگی، شالودهٔ جماهیر شوروی سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. تجمع بیش از صد ملت و گرد آمدن خلقهای سوسیالیستی کشورها، پیشرفت سریع اقتصادی و فرهنگی آنها، پیروزی ایدئولوژی واحد پرولتری، بیانگر کامیابیهای سوسیالیسم در حلا مسأله دیرین ملیت‌هاست که هیچ نظام دیگری قادر به حل آن نمی‌باشد. وحدت یکپارچهٔ خلقهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شرط لازم و حتمی اجرای وظایف ساختمان کمونیسم است.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وحدت و همبستگی اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی همه قشرهای زحمتکش و همه اتباع این کشور صرف نظر از نژاد، حرفه، ملیت جنس و معلومات تأمین گردیده خلق شوروی مظهر اشتراک ملی عمیقاً نوین و بین‌المللی و اتحاد سوسیالیستی همه زحمتکشان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی زحمتکشان صنعتی، کشاورزی و فرهنگی، یدی و فکری - می‌باشد که شالوده اجتماعی دولت کثیرالملله عموم خلق ناشی از آنست.

دگر گونیهای حاصله تاریخی در ساخت جامعه ما همواره با تغییرات بنیادی در شیوه زندگی همه مردم شوروی و گسترش بی سابقه خود ویژگیهای سوسیالیستی و شوروی آن و ارتقاء چشم گیر سطح زندگی زحمتکشانش همراه بوده است دولت شوروی با وجود ضرورت تأمین اعتبارات قابل ملاحظه برای امور دفاعی و زیان دیدگی فاحش از طرف تجاوزگران امپریالیستی و تحمل هزینه سنگین جهت اعتلای اقتصاد ملی، معذالک در اجرای خط مشی عمومی لنینی در جهت بهبود شرایط زندگی خلق و ارتقاء سطح فرهنگی وی به طور وقفه ناپذیر جدیت لازم را در این زمینه به عمل می آورد.

بیکاری در اتحاد جماهیر شوروی به طور کلی ریشه کن شده است. به جای ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار در روز که پیش از انقلاب در اغلب مؤسسات صنعتی روسیه تزاری برقرار بود، اکنون مقررات ۷ ساعت کار در روز و در برخی رشته ها ۶ ساعت و یا کمتر با عیا ۵ روز کار در هفته برقرار است و در هر حال با همین ساعت های کار دو روز استراحت برای کارگران تأمین شده است.

بهبود عمومی شرایط کار به مرحله اجراء در آمده است. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کشوریست که حوادث کار در آن به حداقل ممکن رسیده است.

درآمدهای واقعی کارگران صنعتی و ساختمانی با توجه به ریشه کن شدن بیکاری و تقلیل روز کار در مقایسه با سال ۱۹۱۳ نسبت به هر کارگر بطور متوسط بیش از هفت برابر بالا رفته است و در همین مدت درآمدهای واقعی دهقانان تقریباً ۱۱ برابر افزایش یافت.

سطح کلی سرمایه‌گذاری در امر تأمین مسکن در شهر در قیاس با سال ۱۹۱۳، هشت بار افزایش یافته است. شرایط زندگی و مسکن به نحو قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است.

تعلیم و تربیت اجباری و به هزینه دولت است. جامعه هزینه‌های تربیتی و پرورشی را به نحو احسن تأمین کرده است. تقریباً ۹ میلیون کودک در شیرخوارگاهها و باغهای کودکان مشغول استراحت می‌باشند. تعداد افرادی که در مدارس عمومی مشغول تحصیل اند در مدت استقرار حکومت شوروی از ۹/۷ میلیون به ۴۹ میلیون رسیده است.

سیستم واحد پانسیون در اتحاد شوروی برقرار است. دولت و کلخوزها هزینه ایس پانسیونها را تأمین می‌نمایند. در اتحاد شوروی سنی که حق استفاده از این پانسیونها را برای پیران مجاز می‌دارد نسبت به اغلب کشورها در سطح بسیار نازلی است.

مردم شوروی از کمک پزشکی مجانی برخوردارند. جامعه حمایت از مادر و کودک را وظیفه اساسی خود می‌داند. طی نیم قرن اوج امید بزناگی سرچشمه حیاتی پر جوش و خروش مردم شوروی را تشکیل می‌دهد.

سوسیالیسم در نزد زحمتکشان ارزش والائی کسب کرده است. گسترش آتی این نظام اجتماعی با سرشت بسیار مترقی و واقعات توده‌ای اش جامعه را به شکفتگی هما هنگ فرد و تحقق پیش‌بینی های با زبان کمونیسم علمی، بیش از پیش نزدیک می‌نماید.

۱۱- زندگی صحت پیش‌بینی لنین را در اینکه به دنبال انقلابات

سوسیالیستی، کشورهای جدیدی از سیستم جهانی سرمایه‌داری جدا شده

و دیکتاتوری پرولتاریا و نیروی ملی به نیروی جهانی بدل می‌گردد، کاملاً به اثبات رسانیده است. تجربه بسیاری از کشورهای سه‌قاره اهمیت عمومی و تأثیر آئین لنینی ساختمان سوسیالیسم را تأیید کرده است. سازماندهی همکاری بین‌المللی در چارچوب سیستم جهانی سوسیالیستی تأیید می‌نماید که اصول لنینی مناسبات طراز نوین بین‌المللی دارای ارزش و اعتبار فراوانی است. اتحاد سیاسی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی قدرت و اعتبار هر یک از این کشورها را مضاعف کرده و به آنها امکان می‌دهد که پیشرفتهای سازمان سوسیالیستی را به نحو رضایت‌بخشی در خدمت زندگی اجتماعی قرار دهند.

نیروی حیاتی سیستم جدید در آنست که در شرایط بسیار گوناگون قابلیت راه‌گشایی و یافتن اشکال متنوع برای اجرای وظایف اجتماعی و فرهنگی همانند را داشته باشد. همان‌طور که لنین متذکر گردید هر ملتی «خود ویژگی‌اش را در این یا آن شکل دموکراسی، در این یا آن نوع دیکتاتوری پرولتاریا، در این یا آن آهنگ دگرگونیهای جهت‌های مختلف زندگی اجتماعی» اعمال می‌نماید. (مجموعه آثار، جلد ۲۳، صفحه ۷۶)

لنین با اعتقاد عمیق خود اعلام می‌داشت که سوسیالیسم وحدت اقتصادی و اجتماعی خلقها را در مقیاس ملی و بین‌المللی تأمین خواهد نمود. او شالوده مادی این وحدت را گرایش به «ایجاد اقتصاد واحد جهانی (می‌دانست) که باید به عنوان یک مجموعه کلی تلقی گردد و طبق طرح کلی تحت رهبری پرولتاریای همه ملتها درآید. گرایشی که قبلاً با وضوح تمام در نظام سرمایه‌داری عیان گردید و در نظام سوسیالیستی

با اطمینان کامل وسیله گسترش و پیروزی می گردد.» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۱۴۸)

روابط بین کشورهای سوسیالیستی بر اساس اشتراك منافع اساسی آنها متمایز می گردد. ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم، هدفهای مشترك ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، کشورهای برادر را متحد می گرداند. آنها در مبارزه علیه سرمایه داری و سیاست امپریالیستی وی وظایف همانندی دارند.

زندگی، نزدیکی روزافزون اقتصادی و سیاسی کشورهای برادر را ایجاد می کند. تنظیم طرح های اقتصادی و برنامه بلندمدت رشد یکپارچه سوسیالیستی که به تصویب بیست و سومین اجلاس مخصوص شورای تعاون اقتصادی رسید، لزوم دعوت از عموم کشورهای سوسیالیستی را برای اجرای صحیح چنین وظیفه حیاتی مطرح نموده است. احزاب برادر با اتخاذ چنین تدابیر مهم، مساعدت خلاق خود را در گسترش ایده لنین نسبت به ایجاد «کتوپراتیو بین المللی زحمتکشان»، به عمل می آورند.

تحول سیستم جهانی سوسیالیستی چنان روند پیچیده و کثیر-الاشکالی است که در جریان آن باید بقدرت عینی و ذهنی توسل جست و بر مشکلات غلبه نمود. روابط برادرانه و همکاری بین کشورها در شرایطی برقرار می شود که سطح اقتصادی، سنتها و روابط تاریخی و فرهنگی، ساخت های اجتماعی آنها نسبت بهم تفاوت دارد. تجربه می آموزد که عناصر خرده بورژوا، هر جا که موفق به اعمال نفوذ گردند، در جلوگیری از حرکت طبیعی دگرگونیهای

سوسیالیستی تلاش کرده و کشورهای سوسیالیستی را در مقابل هم قرار می‌دهند و بدامن زدن نظریات اپورتونیستی، تجدیدنظر طلبی و ناسیونالیستی دلخواه امپریالیسم می‌پردازند. این خطر در جایی که اصول مارکسیسم-لنینیسم زیر پا نهاده شود، بی‌اندازه تشدید می‌یابد. رویزیونیسم «چپ»، تئوری وپراتیک کمونیسم علمی را مورد حمله قرار می‌دهد و درصدد آنست که «سوسیالیسم» ارتجاعی واهی و سربازخانه‌ای را جانشین کمونیسم علمی گرداند. تبلیغ نقش مسیحیت در برخی کشورها و تبلیغات دروغین در روح هژمونی، شوونیسم، آنتی سوویتسم لگام‌گسیخته، از طبیعت ناسیونالیستی خرده‌بورژوازی ناشی می‌گردد.

رویزیونیست‌های راست با نفی نقش رهبری احزاب مارکسیستی-لنینیستی و به امید استقرار لیبرالیسم سیاسی نوع بورژوازی، به جای دموکراسی سوسیالیستی، و به کنار نهادن برنامه‌گذاری متمرکز و رهبری اقتصاد ملی، به منظور آزاد نهادن جریان هرچ و مرج در بازار و توسعه رقابت، به انتشار مفهوم سوسیالیسم به اصطلاح «لیبرالیزه» مبادرت می‌نمایند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی مبارزه احزاب کمونیست برادر را علیه تمام آن اقداماتی که در فرسایش مواضع سیستم نوین به عمل می‌آید و مبارزه علیه شیوه اپورتونیستی برخوردار با مسائل ساختمان سوسیالیسم و مناسبات درسیستم جهانی سوسیالیستی را برای از میان برداشتن اختلافات بین احزاب، با تکیه بر اصول مارکسیسم-لنینیسم، بانظر تحسین می‌نگرد. سیاست اصولی احزاب کمونیست و کارگری در

تبعیت از آئین لنینی ساختمان جامعه نوین و کار بست اصول انترناسیونالیسم
سوسیالیستی، شرط حتمی سازماندهی روابط طراز نوین بین‌المللی
است.

ساختمان و گسترش سوسیالیسم در چهارچوب يك کشور و در
مقیاس بین‌المللی، از نتایج شگرف ایجادگری تاریخی میلیونها زحمتکش
است که صاحب اختیاری چون و چراى سرنوشت خویش گردیده‌اند.
بنابگفته لنین این ایجادگری تاریخی همواره توده زحمتکش وسیع‌تری
از سیاره مارا در برمی‌گیرد. این واقعیت بیانگر آن روند طبیعی است
که در جریان آن جامعه از حالت ماقبل تاریخی خود به تاریخ واقعی‌اش
گام می‌نهد و آن را آگاهانه بنیان می‌گذارد.

لنینیسم برای دگرگونی‌های انقلابی جهان پرچم مبارزهٔ خلقها علیه امپریالیسم است

۱۲- تجربه مبارزات طبقاتی قرن بیستم نشان داده است که
تنها با تبعیت از آئین لنینی می‌توان به ماهیت و خصوصیت تغییرات
انقلابی دامنگیر جهان پی‌برد و نقش نیروهای شرکت‌کننده در این جریان
انقلابی را به درستی ارزیابی کرد و دورنماهای گسترش انقلاب
سوسیالیستی جهانی را ترسیم نمود.

در دوران ما ضرورت استقرار مناسبات سوسیالیستی به‌جای
روابط تولیدی سرمایه‌داری، با وضوح بیشتری مطرح گردیده است.
معدالک بنا بگفته لنین سرنگونی واپسین نظام سرمایه‌داری در مقیاس
جهانی و ایجاد صورت‌بندی نوین اجتماعی، روندی پیچیده، طولانی

و گونه‌گونی است. شرایط مادی گذار به سوسیالیسم قبل از همه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری فراهم آمده است. ولی در اکثریت این نوع کشورهای بورژوازی امپریالیستی موفق گردیده است حاکمیت خود را همچنان حفظ نماید و این خود در شرایط کنونی مانع عمده‌ای در سر راه پیشرفتهای اجتماعی است.

بورژوازی امپریالیستی در قبال کامیابیهای سوسیالیسم می‌کوشد از منافع خویش دفاع کرده و مواضع اساسی خود را حفظ نماید. بورژوازی امپریالیستی در همه زمینه‌های زندگی به مانور می‌پردازد و تمام منابع مادی را در جهت حفظ تسلط خود بکار می‌گیرد و قدرت انحصارات را با قدرت دولت هر چه بیشتر در می‌آمیزد و برای از سر بدر نمودن تعرض سوسیالیسم به حیل‌های سیاسی متوسل می‌گردد. سرمایه‌داری در زمینه اقتصادی با استفاده از موفقیت‌های انقلاب علمی و فنی و به اتکای تکنیک‌های نیرومند تولید که بطور عالی سازمان یافته، می‌کوشد بیاری دولت، همه منابع را در مقیاس ملی بسیج کند و آهنگهای گسترش اقتصادی را تسریع نماید و نتایج نسبتاً شگرف تولید را همچنان حفظ نماید.

سرمایه‌داری در زمینه سیاسی با مهارت خاصی اشکال و حشیانه سرکوبی توده‌ها را با اسلوب و شیوه‌های انقیاد زحمتکشان در زیر سلطه خود، درهم می‌آمیزد. سرمایه‌داری جهانی با ابداع شعارهایی چون «مشارکت اجتماعی» و «جامعه آزاد» در راه کنترل سازمان‌های کارگری و تحلیل بردن آنها در سیستم شبه دموکراتیک چند حزبی، تلاش

از جانب دیگر انحصارات در قبال ناکامی طرحهای خویش به منظور انقیاد جنبش کارگری در چهارچوب مکانیسم سیاسی بورژوازی، بیش از پیش، به شیوه‌های خشن سرکوبی توده‌ها متوسل می‌شوند. از گانهای سرکوبی دولتهای امپریالیستی از حیث تصویب قوانین ضد کارگری اهمیت روزافزونی می‌یابند.

سرمایه‌انحصارگر در زمینه اجتماعی می‌کوشد با دادن امتیازات و هدایا، تشدید استثمار زحمتکشانش را روپوشی نماید و از مبارزات طبقاتی مخاطره‌انگیز علیه سرمایه‌داری جلوگیری بعمل آورد. لنین می‌گوید سرمایه‌داری درصدد آنست که با دادن امتیازات بی‌مقدار و ناچیز، کارگران را از مبارزه طبقاتی منصرف نماید و شالوده اجتماعی فرمانروایی خود را توسعه و تحکیم بخشد و آنرا از هر نوع گزند مصون نگهدارد.

در حقیقت، درجه‌استثمار طبقه کارگر فزونی می‌یابد و منافع عمده و اساسی نیروهای مدرن تولیدی مورد بهره‌برداری اولیگارش‌های صنعتی و مالی قرار می‌گیرد. همه این واقعیت‌ها برانگیزاننده تشدید آنتاگونیسم‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی در کشورهای عمده سرمایه‌داری و محرك بحران مزمن مالی و پولی، بیکاری و فزونی تضادها در میان نیروهای امپریالیستی است.

دولت‌های امپریالیستی قسمت عمده‌ای از ثروت‌های ملی را در سراسر تدارک و تعقیب جنگ سرآزیر می‌کنند. بنا به توصیف لنین کنسرسیوم‌های نظامی و صنعتی با استفاده از سیستم «غارت قسانونی ذخیره ملی»، سودهای هنگفتی که بوسیله دولت تضمین گردیده، بچنگ

می آورند. بفرنجی نظامی و صنعتی به حربه امپریالیسم بدل گردیده است. این حربه محرك ارتجاع در سیاست داخلی و خارجی دولتهای بورژوازی است.

گردانهای تجاوزکارتر امپریالیسم نوین، قبل از همه در ایالات متحده آمریکا و آلمان غربی، در «بنوا در آوردن» آهنگ جنگهای تاریخی قرن بیستم و گرفتن انتقام و کاهش نفوذ عظیم جهانی سوسیالیسم و برقراری مجدد استعمار در اشکال نوین آن، امید خود را از دست نداده اند. امپریالیسم ایالات متحده آمریکا به ستاد آنتی کمونیسم و کانون ارتجاع و میل تاريسم بین المللی بدل شده است. این امپریالیسم، «دست پروردگان» خود را در انجام مداخلات مسلحانه علیه ویتنام و کوبا، پاناما و جمهوری دومینیکن و اعمال تحریکات نظامی و پشتیبانی فعال از تجاوز اسرائیل علیه کشورهای عربی و کودتاهای ارتجاعی در بسیاری از کشورهای تشویق و تحریص می نماید. تجدید فعالیت نیروهای انتقامجو و نئونازی در جمهوری فدرال آلمان برای امر صلح و امنیت اروپا خطری جدی به شمار می رود.

جهان بطور بنیادی تغییر شکل یافته است

امپریالیسم برای همیشه انحصار تنظیم امور جهانی را که تا پیش از اکتبر ۱۹۱۷ در اختیار داشت، از دست داده است و دیگر نیروی فرمانروایی در پهنه بین المللی نیست. در عصر ما واقعیت مسلم اینست که دیگر امپریالیسم نمی تواند به هدف اساسی خود در تخریب و نابودی سیستم سوسیالیستی نایل آید. همانطور که در کنفرانس جهانی احزاب

کمونیزم و کارگری تأیید شده «امپریالیسم در باز یافتن ابتکار تاریخی از دست نهاده و تغییر جهت تحول دنیای نوین ناتوان است.» سوسیالیسم به تعرض تاریخی خود دست میبازد. چنین است ترانز نامه منطقی کار بست آیین لنینی نسبت به پروسه انقلابی و سیاست آگاهانه و بخردانه سوسیالیستی و کار مصرانه و مداوم میلیونها انسان سازنده نیروی مادی و اخلاقی سوسیالیسم جهانی.

۱۳- سیستم جهانی امپریالیسم به سرحد انقلاب سوسیالیستی رسیده و در بخشهای معینی دچار فرو ریختگی شده است. لنین نسبت به صورت بندی و تحکیم نیروهای آمادۀ در جهت هدایت انقلاب به سرانجام نیک آن اهمیت زیادی قایل بود.

لنین پس از انقلاب اکتبر نقش اساسی بین نیروها را از آن طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سازنده جامعه نوین سوسیالیستی می دانست. بدین ملاحظه نیروهای پیروزمند سوسیالیسم به پیشاهنگ جنبش انقلابی بدل شده اند. پیدایش سوسیالیسم در عرصه گیتی، افزاینده امکانات انقلابی برای پرولتاریای کشورهای سرمایه داری و گشاینده دور نماهای جدید برای گسترش جنبش رهایی بخش ملی است.

بر اساس پیش بینی دایمانه لنین، در عصر ما سوسیالیسم نیروی اجتماعی بسیار مؤثری در گسترش تاریخی و عامل تسریع پیشرفتهای اجتماعی است. چشم انداز دنیای نو بر مبنای «نبرد میان دوشیوه، دو صورت بندی و دو اقتصاد کمونیستی و سرمایه داری» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۴۷۴) معین میگردد.

در مرحله کمونی، گفته های لنین در باره مسابقه بین دو سیستم.

دارای خودویژگیهای واقعی است. زیرا تأثیر سوسیالیسم بر انقلاب جهانی بطور اساسی از راه سیاست اقتصادی و آنشالوده‌ریزی اقتصاد نوینی فراتر از نیروهای مولده سرمایه‌داری، انجام می‌گیرد. «این وظیفه را باید بخوبی به‌انجام رسانیم و آنگاه در مقیاس جهانی بطور مطمئن وقضعی پیروزمی‌شویم.» (مجموعه آثار جلد ۳۲، صفحه ۴۶۶).

لنین می‌نویسد، چشم‌انداز دیگر استراتژی انقلابی دنیای سوسیالیستی عبارت است از «حفظ و نگاهداری جنبش انقلابی پرولتاریای سوسیالیستی در درجه اول در کشورهای پیشرفته... بطور کلی حفظ و حراست جنبش دموکراتیک و انقلابی در همه کشورهای، بویژه در مستعمرات و کشورهای وابسته» (مجموعه آثار جلد ۲۷ صفحه ۱۵۹).

حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره از این رهنمودها الهام گرفته‌است. هیچ جنبش انقلابی و نهضت توده‌های مردم در راه‌هایی ملی و اجتماعی وجود ندارد که از حزب لنین و کشوری که در آن انقلاب اکتبر پیروز شده‌است بطور مؤثر یاری و کمک دریافت نکرده باشد. نفوذ و اعتبار سوسیالیسم جهانی در حقیقت مدیون اینست که بسیاری از احزاب مارکسیستی-لنینیستی صاحب قدرت «روابط بین-المللی کاملاً مختلفی را برقرار می‌کنند.» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۴۹۵). سوسیالیسم در مقابل سیاست امپریالیستی جنگ و تجاوز، انقیاد ملت‌ها و کشورهای دیگر، سیاست لنینی صلح و دوستی میان خلق‌ها را قرار داده‌است. سیاست خارجی سوسیالیستی به‌شکرت بیش از پیش مؤثر توده‌های مردم در مبارزه به‌خاطر پیروزی اصول منصفانه

دموکراتیک در روابط بین‌المللی یاری رسانیده و می‌رساند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی وفادار به تعالیم لنین، بطور پیگیر در اندیشه حفظ و تحکیم صلح است. هدف این حزب در سیاست خارجی تأمین شرایط مسالمت‌آمیز در جهت ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و ایجاد مناسب‌ترین محیط برای مبارزه رهایی‌بخش زحمتکشان همه کشورها و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی همه خلقها است. در عین حال لنین می‌آموزد که همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای دارای سیستم‌های متفاوت اجتماعی مستلزم مبارزه سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی حاد میان سوسیالیسم و کاپیتالیسم، طبقه کارگر و بورژوازی است. این همزیستی با صلح بین طبقات هیچ نوع وجه اشتراکی ندارد و حق مقدس خلقهای ستمدیده را در استفاده از تمام وسایل آزادی‌بخش، منجمله مبارزه مسلحانه، بهیچوجه منتفی نمی‌دارد. اتحاد شوروی از جنگ عادلانه رهایی‌بخش خلق ویتنام علیه امپریالیسم امریکا و جنگهای عادلانه دیگر خلقهایی که قربانی تجاوز امپریالیستی شده‌اند، پشتیبانی کرده و خواهد کرد.

۱۴- طبقه کارگری که در دژهای امپریالیسم علیه وی مبارزه می‌کند، نیروی اصلی انقلابی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به‌شمار می‌رود. لنین درباره پرولتاریای کشورهای پیشرفته صنعتی گفته است که این پرولتاریا «امید اساسی و پشتوانه اصلی ما است.» (مجموعه آثار، جلد ۲۸، صفحه ۳۶۱).

زندگی بروی تز متداول تئورسین‌های بورژوا فرمیسیت و خرده‌بورژواهای آنارشیست درباره «انحطاط» روح انقلابی زحمتکشان

غرب، حط بطلاز کشیده است. در مبارزات طبقاتی سالهای اخیر، طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی، سازمان‌پذیری، روحیه تعرضی، رزمی و اراده خود را در تعقیب جسورانه ایده‌های دموکراتیک و سوسیالیستی خویش نشان داده است. این طبقه در شرایط معین جدید، استعداد خویش را در جلب توده‌های کثیر نسبت به تغییرات عمیق در اقتصاد، مناسبات اجتماعی و آگاهی اجتماعی زحمتکشان، با ثبات رسانیده است.

لنین در آغاز طرح گزارش خود درباره اوضاع واحوال بین‌المللی و وظایف اساسی کمینترن، پنج «عامل اجتماعی قدرت» طبقه کارگر را چنین برمی‌شمارد: ۱- کمیت ۲- تشکیلات ۳- جا در روند تولید و توزیع ۴- فعالیت ۵- دانش و معرفت. از زمانی که لنین این ایده‌رایان داشت شماره طبقه کارگر، مرتبت تشکیلاتی و فعالیت سیاسی، صورت‌بندی حرفه‌ای و پرورش عمومی وی بسی افزایش یافته است. تحت واقعیت خود سرمایه‌داری تعداد بیش از پیش زیادی از کارگران پیشه‌های جدید و روشنفکران مزدبگیر رشته‌های فنی پیش‌آهنگ‌نسبت به وابستگی کامل خود در قبال سیستم انحصاری دواتی آگاهی می‌یابند و ضرورت استقرار نظام نوین اجتماعی را به‌جای سرمایه‌داری تأیید کرده و به جریان ضد امپریالیستی می‌پیوندند.

هم و غم همیشگی امین را تأمین وحدت طبقه کارگر تشکیل می‌داد. لنین باتکیه بر تجربه مبارزه انقلابی و درس‌های سالهای پس از اکتبر، در زمانیکه سیاست سازشکارانه رهبران راست سوسیال - دموکراسی سبب برانگیختن انشعاب در صفوف پرولتری گردید و به حفظ فرمانروایی بورژوازی در بسیاری از کشورهای اروپایی مساعدت

نمود، در خطاب به کمونیستها از آنها دعوت نمود که از صرف کوشش «برای جلب توده بیش از پیش وسیعی از کارگران در مبارزه علیه سرمایه» مضایقه نمایند. ایده جبهه واحد کارگری که کمونیست‌ها ملزم به پذیرش آن می‌باشند به لنین تعلق دارد. لنین با ابراز نظر خود در باره همبستگی در فعالیت همه‌گردانهای پرولتری، احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی آن می‌آموزد که انحراف از اعتقادات پرولتری بهیچوجه جایز نیست بلکه باید با عزمی راسخ از اصول مارکسیسم انقلابی و انترناسیونالیسم پرولتری دفاع کرد.

عامل مهم تأثیر بورژوازی بر پرولتاریا، همانطور که در حیات لنین اتفاق افتاد، سوسیال-دموکراسی راست می‌باشد. سیاست این حزب بطور عینی به انحصارات و دولت سرمایه‌داری در جلوگیری از جنبش-های انقلابی پرولتاریا مساعدت کرده و از مبارزه وی در راه سوسیالیسم ممانعت به عمل می‌آورد و سیاست خارجی امپریالیسم را مورد حمایت قرار می‌دهد و مجری خط مشی ضد کمونیستی می‌گردد. کسب آگاهی از منافع واقعی طبقاتی، منافع مبارزه علیه امپریالیسم، مبارزه در راه حقوق حیاتی توده‌ها، دموکراسی و صلح در میان سوسیال-دموکرات‌ها بیش از پیش گسترش می‌یابد. گرایش به جبهه واحد زحمتکشان در توده‌های سوسیال-دموکرات وسعت می‌گیرد و در بسیاری موارد بنا به ابتکار کمونیست‌ها کامیابیهائی در این راه به دست آمده است.

بنا به گفته لنین جریان‌های ماوراء چپی که «بازتاب انحرافات اپورتونیستی در جنبش کارگری» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۲۶) می‌باشند همیشه مانع برقراری وحدت صفوف پرولتری بوده و خواهند بود. در حال حاضر رویزیونیسم «چپ» همانند اپورتونیستهای راست بمثابة ابزار مستقیم بورژوازی انحصاری عمل می‌نماید. مبارزه در راه

وحدت طبقه کارگر ایجاب می کند که علاوه بر اپورتونیزم راست باید بر اپورتونیزم «چپ» هم غلبه یافت.

لنین می گوید شرط ناگزیر دیگر برای پیروزی انقلاب ایجاد سیستم مستحکم اتحادیست که طبقه کارگر را با همه قشرهایی که در نتیجه زندگی خود، با قدرت انحصارات مخالف می باشند، متحد میگرداند. در اکثر کشورهای سرمایه داری، زحمتکشان ارضی همیشه متفق اصلی پرولتاریا می باشند. گذار کشتکاری به مرحله میکانیکی تولید، سبب تجزیه سریع دهقانان می گردد. انحصارات و دولت سرمایه داری توده های کثیر دهقانی را به فقر و خانه خرابی محکوم می کنند. این توده ها هر چه فعالانه تر به اتحاد ضدامپریالیستی می پیوندند.

سرمایه داری مدرن از روی آنتاگونیزم دائمی التزاید خود مشخص می گردد. یعنی آنتاگونیزم میان سرمایه داری انحصاری و قشرهای متوسط شهرها که بطور جدی و روزافزونی طبقه کارگر انقلابی را مورد تأیید خود قرار می دهند. روشنفکران ترقیخواه در میان متفقین پرولتاریا نقش بس مهمی ایفاء می کنند. انقلاب علمی و فنی به طور بی سابقه ای باعث تشدید تجزیه روشنفکران شده و آنها را که قربانی استثمار حیلہ گرانه ای می باشند به بخش بزرگی از زحمتکشان مزدبگیر تبدیل کرده است. این روشنفکران بنا به منافع و موقعیت خود هر چه بیشتر به طبقه کارگر نزدیک می شوند.

گروه های جدید جوانان به روند انقلابی می پیوندند. جوانان در قبال موقعیت اجتماعی حقارت آمیز و بی دورنمای خود بشدت عکس العمل نشان می دهند. آنها علیه نظام سرمایه داری فعالانه مبارزه

برخاسته‌اند. کمونیست‌ها اعتلای جنبش جوانان منجمله جنبش دانشجویان را بنابه‌ارزش واقعی آن مورد ارزیابی قرار داده و یکی از عوامل مهم مبارزه عمومی ضدامپریالیستی را در این جنبش تشخیص می‌دهند. کمونیست‌ها بطور فعال در جنبش جوانان و دانشجویان شرکت می‌جویند و ایده‌های کمونیسم علمی را به‌میان جوانان می‌برند و به آنها یاری می‌رسانند که از تأثیر و نفوذ ایده‌های راست و چپ‌نما بر کنارمانند و باشکیمیائی برای آنها تشریح می‌نمایند که جنبش‌های جدا از جریان عمومی مبارزه انقلابی طبقه کارگر دورنمایی ندارد.

لنین با تجزیه و تحلیل مسیر نیر و‌های طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری تأکید می‌نماید که تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی به‌طور ناگزیر و دائمی‌تر تشدید می‌یابد. در چنین شرایطی ممکن است بحرانهای سیاسی حاد که دارای انگیزه‌های بس متفاوتی می‌باشد، به‌طور «ناگهانی» پدیدار گردد و به سرعت گسترش یابد... هنگامی که شرایط عینی یک بحران عمیق سیاسی فراهم آید، منازعات خیلی ناچیز که به نظر میرسد از کانون انقلاب بسی‌دور باشد، میتواند اهمیت قابل ملاحظه‌ای بیاید، می‌تواند بعنوان دستاویزی به کار آید و قطره‌آبی بشود که از ظرف لبریز می‌گردد.» (مجموعه آثار، جلد ۱۵، صفحه ۲۹۶).

در عصر ماهنگامی که در کشورهای پیشرفته‌تر سرمایه‌داری بدون انقطاع نبردهای بزرگی به‌رهبری زحمت‌کشان درمی‌گیرد، این پیش‌بینی رهبر بزرگ انقلاب جامه عمل می‌پوشد. این نبردها در نتیجه تشدید تضادهای اقتصادی و خشم نفرت و توددهای وسیع در قبال محیط خفقان‌زای

همه نیروی سرمایه انحصارگر دولتی پدیدار گردیده است. گاهی اوقات این نبردها خصوصیت خود بخودی می یابند. درجائی که عامل بالقوه انقلابی فراهم می آید تذکر لنین با اهمیت بیشتری تجلی می نماید. لنین توصیه می نمود هرگز فراتر از نیازهای لحظه ای قرار نگیریم و وضع روحی توده ها را بهتر بشناسیم و از آهنگ جنبش توده ها عقب نمانیم.

۱۵- جنبش رهائی بخش ملی به سیستم جهانی امپریالیسم ضربات مهمی وارد آورده است. بنا به گفته لنین در عصر ما شوراهائی که قرن ها توسط استعمارگران در «خارج از تاریخ» نگهداری می شدند، اکنون به شرکت کنندگان فعال مسائل سیاسی بدل گردیده اند. اعتبار و نفوذ ایده ها و پراتیک سوسیالیسم در این کشورها به سرعت افزایش می یابد. امپریالیسم در کشورهای در حال رشد به منظور تطبیق دادن خود با شرایط نوین حاصله، دائما به تغییر تاکتیک می پردازد و برای تجزیه جنبش رهائی بخش ملی و درهم ریختن حلقه های ضعیف تر و نااستوارتر، همراه با فعالیت های نظامی و سیاسی، به صرف هزینه های قابل ملاحظه مادی نیز متوسل می گردد. سیاست بازان امپریالیستی از مشکلات عدیده دولتهای جوان ملی و عقب ماندگی اقتصادیشان سودجسته و روی این مشکلات حساب می نمایند.

لنین بارها در زمینه خودویژگیهای چشم گیر تاریخی کشورهای مستعمره سابق تأکید ورزیده است. او می نویسد «... خطوط مشخصه اساسی این کشورها همانا مناسبات ماقبل سرمایه داری می باشد که هنوز تسلط خود را حفظ کرده است. در اینجا مسأله عبارت از جنبش محض

پرو امری نمی باشد.» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۲۵۰). خصوصیت
«سابقین کشورها را همیشه پیچیدگی های اقتصادی و ناتمامی پروسه
صورت بندی ملت ها و طمقات تشکیل می دهد.

در سالهای اخیر دولتهای جوان می متعدد بت دوره از مبارزات
سرسختانه طبقاتی و افتهای اقتصادی، کودتاها و مبارزات درونی قبیله ای
را از سر گذرانده اند. امپریالیسم بین المللی ناپایداری و تضادهای انقلابات
ملی را مورد تأمل قرار داده است. بدینجهت دارودسته های ضدانقلابی
را سازمان داده به حمایت از دیکتاتورهای نظامی ضد خلقی برمی خیزد
و آتش ناسیونالیسم و تجزیه طلبی را دامن زده و در راه خنثی کردن
گرایش های ترقیخواهانه تلاش می ورزد. نیروهائی که در رادیابی های
سوسیالیستی مبارزه می کنند رویا روی سیاست امپریالیسم و ارتجاع
صف آرایی کرده اند. زندگی فعلیت و ظایف مطروحه لنین را کاملاً تأیید
می نماید که بر حسب آن باید به درستی اصول کلی استراتژی انقلابی را
در شرایط خود ویژه کشورهای آزاد شده مورد استفاده قرار داد.

لنین می گوید «نارواست اگر چنین بیاندیشیم که مرحله گسترش
سرمایه داری برای خلقهای عقب مانده امری ناگزیر است.» (مجموعه
آثار، جلد ۳۱، صفحه ۲۵۱). تاریخ این نتیجه گیری لنینی را تأیید کرده
است. خلقهائی که در عصر نوین مایوغ استعمار را بر افکنده اند، چنانچه
تحت رهبری نیروهای انقلابی در آیند و به سوسیالیسم جهانی تکیه نمایند،
می توانند با حذف مرحله سرمایه داری راه پیشرفت اجتماعی را به روی
خود بگشایند. بسیاری از کشورها با گام نهادن در چنین راه رشدی، در
موارد معینی اقدام به ملی کردن وسایل بزرگ صنعتی کرده با اصلاحات

ارضی مبادرت ورزیده و همکاری دهقانان را برانگیخته‌اند و سرمایه خارجی و بورژوازی محلی را محدود ساخته یا خلعید نسوده‌اند. لنین می‌آموزد برای گذار به سوسیالیسم تنها لغو مالکیت استثمارگرانه و اجتماعی کردن وسایل تولید آنان کافی نیست. «باید در راه گسترش نیروهای مولده گام بزرگی به جلو برداشت. باید مقاومت (اغلب منفی مخصوصاً عنودانه و مخصوصاً دشوار از حیث درهم شکستن) بقایای متعدد تولید خرده‌پا را درهم نوردید. باید بر نیروی عظیم عادت و شیوه‌های کهن این بازماندگان غلبه یافت» (مجموعه آثار، جلد ۲۹، صفحه ۴۲۵). دولتهای جوان با پیشروی به سوی پیروزی سوسیالیسم، یک دوره تاریخی از مرحله موقتی گسترش اجتماعی را می‌گذرانند که رفته رفته مقدمات مادی و اجتماعی سوسیالیسم را فراهم آورده و طبقه کارگر و روشنفکران وفادار بخلق را تکوین می‌نماید.

استنتاجات لنین دارای اهمیت بسزائی است. برحسب این استنتاجات، تضمین کامیابی انقلابات رهائی بخش ملی عبارت است از شرکت فعال توده‌ها و بیش از همه طبقه کارگر در حال رشد در رهبری و اداره جامعه، اتحاد طبقه کارگر و دهقانان، تحقق دمکراسی وسیع و تکیه بر سوسیالیسم جهانی و جنبش بین‌المللی کارگری.

۱۶- یکی از منابع بسیار مهم نیروی انکارناپذیر لنینیسم ماهیت انترناسیونالیسم پرولتری آنست. لنین کار بست منطقی اصول انترناسیونالیسم را مصداق واقعی خصوصیت انقلابی عصر ما و وثیقه پیروزیهای طبقه کارگر می‌دانست. لنین می‌گوید «سرمایه یک نیروی بین‌المللی است. برای تأمین پیروزی اتحاد بین‌المللی، برادری جهانی کارگران ضرورت دارد.» (مجموعه آثار، جلد ۳۰، صفحه ۳۰۲).

بنا به گفته لنین مساله مهم سياست انترناسيونالیستی، در آمیختن درست امر ملی و بین المللی در فعالیت احزاب پرولتری و همه گردانهای جنبش انقلابی است. لنین با ابراز عقیده جسورانه علیه هر نوع نیهیلیسم در مساله ملیت با انقلابیون آموخت که منافع ملی را همواره در نظر گیرند، از اصول برابری حقوق همه ملت‌ها و حق استقلال آنها در گسترش آزادانه دفاع نمایند. او می‌گوید مبارزه در راه سوسیالیسم و ساختمان آن و پیکار بخاطر دفاع از سوسیالیسم بهترین وسیله عادلانه برای مبارزه در راه منافع ملی مردم می‌باشد. اجرای مؤثر و وظیفه‌رهای بخش ملی و اجتماعی کشور از طرف هر یک از گردان‌های انقلابی شرط ناگزیری در مبارزه به خاطر منافع مشترک انقلاب سوسیالیستی جهانی است.

در عین حال لنین توصیه می‌نماید که سیاست انترناسیولیستی تنها در چهارچوب خدمت ملی، به کار مشترک پرولتاریای جهانی محدود نمی‌گردد. وفاداری به انترناسیولیسم پرولتری متضمن شرکت همه گردان‌های ملی مبارزان انقلابی در پیوستگی واحدی برای پیروزی بر امپریالیسم جهانی می‌باشد.

لنین می‌گوید نه تنها پرولتاریای کشورهای بزرگ، بلکه طبقه کارگر کشورهای کوچک نیز ضمن مبارزه در راه حقوق و منافع خود نباید وظیفه خویش را «به منظور رعایت نکات مهم و اساسی و ارتباط منافع خاص با منافع عام در مبارزه علیه روحیه تمگ نظرانه... و گرایش به خود جدائی و خودگرائی» (مجموعه آثار، جلد ۲۲، صفحه‌های ۳۹۳ و ۳۷۴) از یاد ببرند، هر روش دیگر قطعا بمعنی لغزش به سوی ناسیونالیسم، این دشمن سرسخت امر انقلابی است. ناسیونالیسم «در تاکتیک تفرقه جویانه و جدائی طلبانه خود امر مهم نزدیکی و اتحاد

پروترهای همه ملت‌ها، نژادها و زبان‌ها را به نیستی می‌کشاند»
(مجموعه آثار، جلد ۶، صفحه ۵۴۵).

انترناسیونالیسم پروتری در اوضاع و احوال کنونی فعلیت خود ویژه‌ای دارد. انترناسیولیسیم پروتری یکی از شروط بسیار مهم پیشرفت اجتماعی و اساس پیوستگی همه نیروهای انقلابی در ادامه تعرض علیه امپریالیسم می‌باشد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای نخستین بار در تاریخ با تجربه حاصله از پراتیک انقلابی خود نمونه در آمیختن همه جنبش‌های انقلابی و دمکراتیک را در یک جریان واحد نشان داد و درستی و باروری روش لنینی را در طرح مساله وحدت نیروهای انقلابی با ثبات رسانید. پیروزی انقلابات سوسیالیستی در یک سلسله از کشورها، کامیابیهای جنبش انقلابی کارگری، پیروزی انقلابات رهاآبی بخش ملی، پیدایش کشورهای دمکراسی ملی، همه و همه از ثمرات وحدت همکاری و کمک متقابل نیروهای انقلاب اجتماعی بین‌المللی است.

همبستگی بین‌المللی پایه و اساس جنبش کمونیستی و کارگری بوده و می‌باشد. لنین با نشان دادن اهمیت در نظر گرفتن ویژگیهای مشخص تاریخی و خصوصیت موقعیتی که هر حزب در شرایط آن فعالیت می‌کند، همواره از پیوستگی تاکتیک بین‌المللی جنبش کمونیستی دفاع می‌نمود. او در اثر خود تحت عنوان بیماری کودکی کمونیسم («چپ‌روی») می‌نویسد «مانند همیشه وظیفه عبارت است از دانش کار بست اصول عام و اساسی کمونیسم بر حسب ویژگیهای روابط میان طبقات و احزاب و خصوصیت‌های گسترش عینی بسوی کمونیسم و متناسب

برای هر کشور باید از نعمت بررسی، کشف و پیش بینی کردن برخوردار بود» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۸۵). بنا به گفته لنین تنوع و تعدد جزئیات ویژگیهای محلی، شیوه های بررسی و برخورد با موضوعات، هرگز وحدت در مسائل اساسی عمده و اصلی را منتفی نمی دارد بلکه آن را تضمین می نماید.

اهمیت وحدت نیروهای انقلابی، در جریان گسترش تاریخی، افزایش می یابد. بهترین شرایط عینی انقلاب اجتماعی فراهم آمده است. کامیابیهای مبارزان نمونه وار و چشم گیر است. مقاومت دشمن هم عنودانه تر گردیده است. بنابراین باید فعالیت متقابل پایداران نیروهای انقلابی هرچه بیشتر تأمین گردد.

لنین نیم قرن پیش به شعار دعوت به مبارزه مصوبه کمونیستها «پرولترهای سراسر جهان متحد شوید!» در خطاب به خلقهای مستعمره و کشورهای وابسته این شعار را اضافه کرد «پرولترهای سراسر جهان و خلقهای ستمدیده متحد شوید!» در دوران ما جنبش کمونیستی بین المللی وفادار به ایده های مارکس، انگلس و لنین شعار جدیدی را عنوان کرده است که بتواند پاسخگوی درک نوین و غنی تر انتر-تاسیونالیسم انقلابی پرولتری باشد. خلقهای کشورهای سوسیالیستی، پرولترها، نیروهای دمکراتیک کشورهای سرمایه، خلقهای آزادشده و ستمدیده به خاطر صلح، استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی، دمکراسی و سوسیالیسم، در مبارزه مشترك علیه امپریالیسم متحد شوید!»

۱۷- سومین انترناسیونال کمونیستی که عامل تأمین وحدت مارکسیسم-لنینیسم و جنبش کارگری بین المللی در مقیاس جهانی بود

بنا به ابتکار لنین پی‌ریزی شد. کمینترن وظایفی را که با اختصاص داشت در نهایت کامیابی و موفقیت حل نمود. روح تازه‌ای به خصوصیت بین‌المللی جنبش کارگری بخشید و محتوی انقلابی این جنبش را از زیانهای گرانبار خیانت رهبران بین‌الملل دوم نجات داد. چشم‌انداز انقلابی تازه‌ای به روی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش جهان سرمایه‌داری گشود و راههای درخشان و روشنی از مبارزه در شرایط نوین تاریخی ارائه داد. در زمینه وحدت ایدئولوژیک و سازمانی احزاب کمونیستی، کارهای فراوانی انجام داد. کمینترن از کمونیستها و زحمتکشان همه کشورها دعوت نمود که از نخستین کشور سوسیالیسم سرسختانه دفاع نمایند.

انترناسیونال کمونیستی طی ربع قرن تحت رهبری اندیشه‌های لنینی به مسائل اساسی مطروحه برای طبقه کارگر و همه بشریت پاسخ‌های روشنی داد. این مسائل عبارت بودند از: جنگ و صلح، مبارزه در راه دموکراسی و علیه فاشیسم، گسترش جنبش رهائی بخش ملی، نقش سوسیالیسم و طرق رهبری توده‌ها در انقلاب سوسیالیستی. کمینترن ایده‌های پیشرو فراوانی را به گنجینه مارکسیسم - لنینیسم افزود. بسیاری از احزاب کمونیستی مکتب لنینی کمینترن را گذرانند و به گسترش و استحکام و پابرجائی گرایش انقلابی در جنبش کارگری بین‌المللی همت گماشتند. بنا به گفته لنین تنها تحت رهبری چنین احزابی است که «پرولتاریامی تواند با تمام نیرو به گسترش جهش انقلابی خود بپردازد... و نیروی خود را کاملاً بسط دهد...» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۱۹۰).

ولادیمیر ایلیچ لنین در راه تکوین و گسترش جنبش بین‌المللی کمونیستی توجه دائمی عمیقی معطوف می‌داشت و به فرموله کردن مهمترین اصول فعالیت حزب مارکسیستی طرازنوین پرداخت.

در عصر ما يك حزب مارکسیست - لنینی عبارت از: حزبی است انقلابی که همه فعالیت خود را در راه آمادگی پرولتاریا «برای در دست گرفتن قدرت دولتی و دقیقاً کسب قدرت تحت شکل دیکتاتوری پرولتاریا» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۱۹۱) متمرکز نماید. چنین حزبی بیانگر وفاداری پایدارانه به امر انقلاب و مظهر جدیت و اراده‌ای بی‌پایان است،

- حزبی است پیشرو اول آگاه طبقه کارگر که با توده‌ها در ارتباط نزدیک باشد و در صف مقدم توده‌ها حرکت نماید. لنین آرزو داشت که «حزب بی آنکه از توده‌ها جدا بماند بانزدیکی هر چه بیشتر به توده‌ها به پیشاهنگ پرولتاریای انقلابی بدل شود و توده‌ها را به سطح آگاهی انقلابی و مبارزه انقلابی برساند» (مجموعه آثار، جلد ۳۳، صفحه ۲۱۱)،

- حزبی است انترناسیونالیستی که، بنابه آموزش لنین، برای آن «مبارزه علیه انحرافات اپورتونیستی خرده‌بورژوازی و پاسیفیستی در مقابل مفهوم و سیاست انترناسیونالیسم جزء اولین و مهمترین وظیفه است» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۱۵۰)،

- حزبی است با مختصات يك سازمان واحد رزمی که روی اصول سانترالیسم دمکراتیک تکیه نماید و در تأمین وحدت طبقه کارگر و زحمتکشان در مبارزه انقلابی از خود شایستگی نشان دهد و در مقابل هر نوع اپورتونیسم و انشعاب طلبی آشتی‌ناپذیر باشد. لنین نشان داد که

يك «حزب سياسى ماركسيستى سانتراليزه» با ايده‌هاى مباركسيسم و خط‌مشى عملى وى مطابقت كامل دارد،

- حزبى است كه به‌طور خستگى ناپذير هنر كار بست اصول عام را با شرايط مشخص تطبيق دهد و در هر موقعيتى از هدفهاى غائى جنبش كارگرى دفاع نمايد. لنين اقداماتى را كه از طرف اپورتونيسم در جهت گنجائيدن مطالبات جزئى در بر نامه بعمل مى آيد و هدف آن آرايش اين اقدامات و جانسپين ساختن مطالبات جزئى به‌جاي وظايف اصلى انقلابى است. باعزمى راسخ محكوم مى‌نمود (مجموعه آثار، چاپ روسى، جلد ۵۴، صفحه ۳۴۸).

حزب كمونيست تز اپورتونيستى «جنبش همه‌چيز است و هدف غايبى هيچ‌چيز» و سكتاريسم دگماتيك را كه بطور غير فعال در انتظار حوادث بزرگ نشسته است مردود مى‌داند كه واجد هيچ نوع شايبستگى در زمينه اتحاد و اتفاق نيروهاى لازم در راه فعاليت مشترك نمى‌باشند. جنبش جهانى كمونيستى كه با تكيه به ايده‌هاى لنينى گسترش يافت اينك به نيروى نوانا و قدرت سياسى بسيار مسؤثر عصر ما بدل شده است. كنفرانس‌هاى بين‌المللى اولين گام مهم در راه گسترش جنبش كمونيستى بوده است. در اسناد مصوبه كنفرانس‌ها، مسائل كنونى بر حسب استفاده از ميراث ايدئولوژيكى لنين تدوين گرديده است.

احزاب كمونيستى براى تحكيم موقعيت خود و انجام تعرض دامنه‌دار عليه امپرياليسم بايد بكوشند كه طبقه كارگر عليه ايدئولوژى بورژوازى، آگاهى سوسياليستى بدست آورد. در شرايط كنونى، اشاعه ايدئولوژى علمى ماركسيستى-لنينيستى درمیان توده‌ها و مبارزه

در راه تسخیر ارواح و قلوب آنان گسترش فوق‌العاده‌ای یافته است. لنین تأکید می‌نماید که مبارزه دو ایدئولوژی سوسیالیستی و بورژوازی مبین‌آشتی‌ناپذیری مواضع طبقاتی پرولترها و بورژوازی و تعارض دو سیستم اجتماعی است. توده‌های زحمتکش، در نتیجه اعمال و تطبیق ایدئولوژی سوسیالیستی، امکان می‌یابند رفته‌رفته نیازهای جاری و وظایف فوری خود را درک نمایند و منافع اساسی و دورنمای تاریخی خویش را تشخیص دهند. در دنیایی که دستخوش مبارزه طبقات متخاصم اجتماعی است ایدئولوژی فوق‌طبقاتی و خارج از طبقات نه وجود داشته است و نه می‌تواند وجود داشته باشد. بنا به آموزش لنین «بدین جهت است که هر نوع ذورافتادگی از ایدئولوژی سوسیالیستی و بسا ناچیز شمردن آن سبب تحکیم مواضع ایدئولوژی بورژوازی می‌گردد» (مجموعه آثار، جلد ۵، صفحه ۳۹۱).

بورژوازی امپریالیستی برای حفظ حاکمیت خود بر خلقهای کشور خویش از خشونت و نیرنگ توأماً سود می‌جوید. و بیش از پیش و در مقیاس وسیعی به شیوه‌های ایدئولوژیکی انقیاد توده‌ها و بسیج «تمام عیار» ایدئولوژیکی همه نیروهای ارتجاعی در زیر پرچم آنتی‌کمونیسم و آنتی‌سوویتیزم (سیاست ضد شوروی) متوسل می‌گردند. در مبارزه ایدئولوژیکی جایی برای بی‌طرفی و مصالحه وجود ندارد. مارکسیست-لنینیست‌ها تر اپورتونیستی همزیستی مسالمت‌آمیز در زمینه ایدئولوژی را مردود می‌دانند. بهترین سلاح علیه ایدئولوژی بورژوازی، روح خلاق لنینیسم، گسترش و غنی‌گردانیدن وقفه‌ناپذیر تئوری مارکسیستی-لنینیستی از راه تعمیم تجارب نوین تاریخی است.

جنبش کمونیستی در جریان مبارزه علیه رفرمیسم و همه‌اشکال اپورتونیسم و مبارزه علیه رویزیونیسم راست و «چپ» گسترش یافته است و گسترش می‌یابد.

رویزیونیسم مدرن ایده‌های مختلف جریان‌های ضدلنینی را که در موقع خود طی مبارزه‌ای آشکار علیه مارکسیسم - لنینیسم دچار شکست و ناکامی شده‌اند، «بهم در آمیخته» می‌کوشد به کمک آنها در احزاب کمونیست نفوذ کند و بابت بهره‌گیری از مظاهر نارسایی ایدئولوژیکی و دکماتیسم، خط‌مشی خود را به احزاب کمونیست و کارگری تحمیل نماید. لنین می‌گوید رویزیونیسم همواره به معنی تسلیم‌طلبی در قبال مشکلات و دشمنان طبقاتی و عقب‌نشینی از مواضع پرولتری و جانشین ساختن مفاهیم بورژوازی و خرده‌بورژوازی به جای مارکسیسم است. رویزیونیسم در تئوری راه پراتیک اپورتونیستی را هموار می‌سازد و می‌کوشد برای جنبش کارگری در سیستم سیاسی سرمایه‌داری منزلگاهی بسازد. کمونیست‌های کشورهای مختلف با نزدیک گردانیدن مواضع سیاسی و تئوریک خود و ایجاد پیوستگی در صفوف خویش به تهدیدات امپریالیسم و انشعاب‌گران پاسخ می‌گویند. بهترین وسیله برای چیرگی بر اختلافات در جنبش بین‌المللی کمونیستی مبارزه عملی در راه‌هدفهای مشترک است. وحدت در اعلامیه و عبارات شکل نمی‌گیرد، بلکه آنرا فقط می‌توان در عمل و مبارزه مشترک تأمین نمود.

۴

با تبعیت از راه لنینی به سوی کمونیسم

۱۸- ساختمان کمونیسم دورنمای عمومی ماست. لنین کمونیسم

را به مثابه نتیجه منطقی گسترش سوسیالیسم، بهره برداری و برخورداری از امکانات و پیشرفتهای آن ارزیابی می نمود. تدارك طولانی و مهم اولیه مادی و معنوی برای رسیدن به کمونیسم امری اجتناب ناپذیر است. تمام فعالیت تئوریک و سیاسی حزب به این امر اختصاص دارد.

مفاهیم علمی کمونیسم با «فلسفه» ریاکارانه فقر به مثابه «بی نیازی» و یاکیش شیئی پرستی بورژوازی و خرده بورژوازی هیچ وجه اشتراکی ندارد. مارکسیست - لنینیست ها معتقدند که ثروتهای مادی به منظور ارضای نیازهای منطقی انسانها ایجاد شده و مقدمات ناگزیری در راه گسترش استعدادهای بشری و شکفتگی شخصیت می باشند.

ایده های لنین درباره ماهیت و اصول کمونیسم و اشکال و شیوه های ساختمان آن در برنامه ای متجانس و بطور علمی مستند در زمینه ساختمان جامعه کمونیستی بسط و توسعه یافته است. همانطور که بیست و سومین کنگره حزب تأکید نموده است، این برنامه که شالوده حل مسائل عمده سیاسی، اقتصادی و فعالیت ایدئولوژیکی و سازمانی را تشکیل می دهد، در مرکز توجه حزب می باشد.

لنین برای ایجاد شالوده اقتصادی نظام کمونیستی، اهمیت قاطعی قائل بود. «کمونیسم وقتی اهمیت می یابد که شالوده اقتصادی آن پی ریزی شده باشد» (مجموعه آثار، جلد ۲۹، صفحه ۱۹۰). بنابه گفته لنین برای گذار به مرحله عالی جامعه کمونیستی باید در تمام زمینه ها به نیروهای مولده رشد یافته ای دست یافت و حاصل بخشی کار را بر اساس آخرین دست آوردهای علمی و فنی به سرعت افزایش داد.

لنین می گوید: «کمونیسم و فور نعمتی است که فراتر از حاصل بخشی

سرمایه داری باشد. کمونیسم همانا حاصلبخشی کارگران مستعد، آگاه و متحد است که از وسایل مدرن فنی برخوردارند.» (مجموعه آثار، جلد ۲۹، صفحه ۴۳۱).

حزب کمونیست اتحاد شوروی با پیشرفت در راه لنینی وظیفه اساسی ساختمان کمونیسم را قبل از هر چیز در ایجاد شالوده مادی و فنی آن می‌داند. ماهیت سیاست اقتصادی حزب با استفاده از حداکثر موفقیت‌های علمی و فنی و گسترش صنعتی در همه شئون تولید اجتماعی و افزایش تأثیر آن و حاصلبخشی کار معطوف به تأمین رشد آتی صنعت و تأمین آهنگهای پیشرفته و مستمر اعتلای کشاورزی و همچنین ارتقاء محسوس سطح زندگی خلق و ارضای بازهم بهتر نیازهای مادی و فرهنگی همه مردم شوروی می‌باشد.

در حال حاضر اقتصاد ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به مرحله‌ای رسیده است که در این مرحله گسترش آن بیش از پیش متوجه افزایش تولید است. این امر مستلزم تغییرات عمیق کیفی در سراسر اقتصاد ملی و هر یک از بخش‌های آن می‌باشد: مانند ایجاد سیستم نوین و برقراری مناسب‌ترین سازمان و رهبریت تولید، تأمین پیشرفت فنی کثیرالجوانب، استفاده عملی از آخرین دست‌آوردهای دانش، صنعتی کردن همه شاخه‌های اقتصادی و استفاده مؤثر از منابع مادی.

ساختمان کمونیستی مستلزم استفاده وسیع از موفقیت‌های انقلاب علمی و فنی معاصر است که در نتیجه آن در تکنولوژی تولید، انرژی، وسایل و ابزار کار، در سازمان دهی مدیریت و در خصوصیت کار، تغییرات کیفی چشم‌گیری حاصل گردیده است. این تغییرات، تأثیر عمیقی در

زحمتکشان بجای می‌نهد و به ارتقاء سطح آموزش و فرهنگ آنها یاری می‌رساند و افق دید علمی و فنی‌شان را وسعت می‌دهد. تغییرات فوق‌العاده سریع دانش در نیروی مستقیم تولیدی از خصایص مشخصه عصر ماست. در زمان ما آهنگ رشد اقتصادی هر چه بیشتر به آهنگ تحقیقات علمی و کار بست نتایج آن در تولید بستگی دارد.

امروزه دانش و فن به عرصه مهم مسابقه دوسیستم اجتماعی - اقتصادی متعارض بدل گشته است. مبارزه در این راه طولانی و حاد است. رسوخ دانش در زمینه‌های مختلف زندگی اقتصادی و اجتماعی، استفاده همواره کاملتر از امکانات پیشرفتهای علمی و فنی در جهت تسریع رشد اقتصادی و ارضای نیازمندیهای همه اعضای جامعه، اولین وظیفه اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد. حزب کمونیست اتحاد شوروی که رهبری ساختمان کمونیسم را بر عهده دارد، همواره از وصایای لنین پیروی می‌کند. بر اساس این وصایا باید «مراقبت نمود که علم و معرفت در نزد ما بچیز باطل و یا به کلام مد روز بدل نگردد... که علم معرفت حقیقتاً در شعور و متفکره مردم رسوخ نماید، کاملاً و واقعاً جزء مکمل زندگی ما گردد» (مجموعه آثار، جلد ۳۳، صفحه ۵۰۳). لنین توصیه می‌نمود رهبری اقتصاد در نزد کمونیستها بمفهوم تکیه بر دانش است.

۱۹- ساختمان کمونیسم مستلزم تکمیل و بهبود همه سیستم روابط اقتصادی جامعه سوسیالیستی است. لنین یادآور گردید است که «سوسیالیسم نمونه عالی سازمان اجتماعی کار در مقایسه با سرمایه داری است. چنین است اساس مسئله. چنین است سرچشمه و وثیقه کامل و اجتناب ناپذیر کمونیسم» (مجموعه آثار، جلد ۲۹، صفحه ۴۲۳)

رشد و نمو قابل ملاحظه نیروهای مولده در کشور ما و پیشرفتهای انقلاب علمی و فنی ایجاب می نماید که اشکال و شیوه های رهبری اقتصادی بطور جدی تکمیل گردد. رفرم اقتصادی که بر طبق تصمیمات اجلاس های پلنوم مارس و سپتامبر ۱۹۶۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ویست و سومین کنگره حزب اجرا گردیده است، همین هدف را تعقیب می نماید. نقش ترسیم دورنمای آینده، به مثابه بهترین شکل برنامه ریزی، در مقیاس کشوری که برای مراحل طولانی طرح و تدوین گردیده و همچنین نقش پیش بینیهائی که بطور علمی رشد و گسترش جامعه و اقتصاد را توجیه می نماید، لاینقطع افزایش می یابد.

لنین برای مسابقه سوسیالیستی زحمتکشان در اعتلای تولید اجتماعی اهمیت فراوانی قائل بود.

حزب به ملاحظه کار بست و صایای لنین می کوشد از تمام اشکال مربوط به انگیزش مادی و اخلاقی کار سود جوید و در جهت گسترش مسابقه سوسیالیستی که حداکثر ابتکار خلاق را به همراه دارد تلاش میورزد. لنین می آموزد که موضوع عبارت است از رهبری اقتصاد به طریقی «که کارگر آگاه نه تنها خویشان را صاحب کارخانه خود بلکه نماینده کشور بداند. او باید سنگینی مسئولیتی را که به او ربط می یابد احساس کند» (مجموعه آثار، جلد ۲۷، صفحه ۴۲۷).

ساختمان کمونیسم کار تمام خلق و هر فرد شوروی است. اجرای صحیح برنامه اقتصادی کمونیسم به آگاهی، ابتکار، سطح فرهنگ و مهارت حرفه ای افراد شوروی بستگی دارد.

تغییرات عمیقی در کشتکاری روی می دهد. خصوصیت صنعتی

تولید کشاورزی بطور مداوم بالا رفته و تجهیزات فنی آن افزایش می‌یابد. برای قابل کشت نمودن اراضی و اصلاح آن و استفاده هر چه بیشتر از شیمی و تکمیل متدها و شیوه‌ها در امر کشتکاری و دامپروری، برنامه‌طویل‌المده‌ای به مرحله اجرا در می‌آید. کلخوزها از حیث اقتصادی تقویت می‌یابند. سطح اجتماعی کردن مالکیت کتوپراتیوی کلخوزی در نتیجه افزایش سرمایه مشترک کلخوزها و با گسترش روابط تولید دولت-کلخوزها و روابط تولید فیما بین کلخوزها، توسعه می‌یابد. حزب برای تأمین گسترش مداوم امر کشاورزی حداکثر کوشش را بعمل می‌آورد. سومین کنگره کلخوزیهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که اساسنامه نوین کلخوز را تصویب نموده است - قانونی که زندگی کلخوزی را طی ساختمان کمونیسم اداره می‌نماید - در حیات روستایی و سراسر کشور حادثه بزرگی بشمار می‌رود.

به موازات افزایش حاصل‌بخشی کار و ثروت اجتماعی رفاه و آسایش مردم و شرایط مسکن، مدام بهبود می‌یابد. اصل سوسیالیستی توزیع بر حسب کار رو به کمال می‌رود و سرمایه اجتماعی مصرف، افزایش می‌یابد. نتایج کار با زهم مهمتر و درخشان‌تر خواهد بود. در صورتیکه به کار بردن همه منابع کشور در جهت گسترش اقتصاد، بهبود سطح زندگی و شکفتگی فرهنگ امکان‌پذیر گردد، دولت ناگزیر است مبالغ هنگفتی به امر دفاعی اختصاص دهد تا بتواند آن را در سطح همواره مدرن‌تری نگاهدارد.

۲۰- لنین می‌آموزد اجرائیات اقتصادی در ساختمان کمونیسم به حل بسیاری از وظایف اجتماعی و سیاسی ارتباط دارد. ساخت

طبقاتی جامعه طی ساختمان کمونیستی بسوی تجانس اجتماعی تحول می‌یابد. ایده لنین درباره محو تدریجی اختلافات بسیار مهم میان زحمتکشان فکری ویدی، صورت می‌پذیرد.

رشد و گسترش تولیدمادی بر پایه تکنیک جدید و افزایش قابل ملاحظه حاصلبخشی کار، سبب بسط دو نوع مالکیت، به مالکیت واحد کمونیستی شده، برابری شرایط فرهنگی و زندگی سکنه شهر و روستا و دیگر گونی خصوصیت کار و محو تدریجی اختلافات طبقاتی رافراهم می‌آورد.

همانطوریکه لنین پیش‌بینی نمود، در کشور ما شکفتگی و نزدیکی ملت‌های سوسیالیستی و فشرده‌گی تماس‌های آنها تأمین گردیده است. بیشتر این تماس‌ها فشرده و بهم پیوسته است. تفاهم در وظایف مشترک به بهترین وجهی تأمین شده و بر مظاهر برتری جویی و خودپسندی ملی به خوبی غلبه یافته‌ایم. حزب با کار بست پایدارانه سیاست ملی لنینی در قبال همه پدیده‌های ناسیونالیسم و شوونیسم، اختلاف جویی و جدایی طلبی ملی، عکس‌العمل شدیدی از خود نشان می‌دهد. حزب، زحمتکشان را در محیطی سرشار از عشق به میهن پرستی سوسیالیستی و روح برادری میان خلق‌های آزاد پرورش و تربیت می‌نماید. سوسیالیسم آفریدگار میهن پرستی طراز نوین است که با انترناسیونالیسم پرولتری بطور عضوی پیوند دارد.

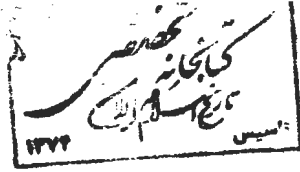
سراسر زندگی پر تکاپوی اجتماعی و سیاسی جامعه ما بر شالوده محکم دموکراسی سوسیالیستی استوار است. لنین می‌نویسد «...بعلاوه مسأله جدید تاریخی، دشوار، جدی و مسئولیت‌انگیز است. بعلاوه

باید میلیون‌ها انسان خود در حل این مسایل شرکت نمایند.» (مجموعه آثار، جلد ۲۷، صفحه ۵۰۰). دموکراسی سوسیالیستی مبتنی بر انضباط آگاهانه و سازماندهی مناسب زحمتکشان است.

حزب در زمینه گسترش بی‌قید و شرط انتقاد و انتقاد از خود سازنده، و حمایت از آن در مقابل با اشتباهات و معایب و هر چیز زیان‌بخش و فرسوده که در کار ما ایجاد مزاحمت نماید، توجه عمیقی مبذول می‌دارد. بنا برخواست لنین، حزب در سراسر فعالیت خود بطور جدی از بوروکراتیسم، بی‌نظمی، کندی کار اداری، سهل‌انگاری، گرایش به جانسختن ساختن مجادلات لفظی به جای کارهای عملی، پرهیز نموده است. ارزیابی سیاسی طبقاتی از پدیده‌های ضد اجتماعی که با سوسیالیسم عمیقاً بیگانه است، مانند غارت اموال سوسیالیستی، مال‌پرستی، نقض انضباط در کار ویر هم‌زدن نظم عمومی و مبارزه علیه چنین پدیده‌های منفی، از وظایف مهم دولت سوسیالیستی، تمام جامعه و وظیفه مدنی هر فرد شوروی به‌شمار می‌رود.

پیچیدگی وظایف مطروحه و مقیاس آن اهمیت روزافزون نقش حزب لنینی کمونیستها و پیشقراول آگاه و سازمانده زندگی جامعه ما را نمایان می‌سازد. حزب که به‌تئوری مارکسیستی-لنینیستی و تجربه غنی سیاسی مسلح است، به تمام جهات ساختمان کمونیسم خصوصیتی برنامه‌ای و ارشادی می‌بخشد.

۲۱- لنین ساختمان کمونیسم را همچون وظیفه پیچیده‌ای ملاحظه می‌نمود که حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن بطور عضوی به تکوین انسان طراز نوین و به‌پرورش و آموزش «افراد کاملاً



رشد یافته و کاملاً مستعد و آماده» (مجموعه آثار، جلد ۳۱، صفحه ۱۴۵)
بستگی دارد. ایدئولوژی کمونیستی باید در چنین فعالیت پرورشی نقش
قاطع ایفاء نماید.

ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی بیانگر منطقی منافع حیاتی طبقه
کارگر و همه زحمتکشان بوده و در عین حال چنان تئوری علمی است
که با تجربه سوسیالیسم بتأیید در آمده و تابلو عینی و درستی از جهان
بدست می‌دهد و شاخص مطمئنی در فعالیت عملی است. بیست و سومین
کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تأیید می‌نماید که پرورش
زحمتکشان باخصایص آگاهی عالی سیاسی و روش کمونیستی نسبت
به کار باید در مرکز فعالیت ایدئولوژیکی حزب باشد.

تکوین جهان‌بینی و اخلاقیات کمونیستی در شرایط مبارزه حاد
ایدئولوژیکی، در پهنه بین‌المللی، جریان مییابد. برای اینکار لازم است
که در کار بست منطقی سیاست طبقاتی در مسائل پرورشی و مواضع
صریح ایدئولوژیکی دست به کار شد و به افزایش هشجاری انقلابی
پرداخت و در جهت مبارزه منطقی علیه سیاست‌گریزی، بقایای نفع‌پرستی،
وضع روحی خرده‌بورژوازی و علیه روش‌های نیهیلیستی در قبال دست-
آوردهای سوسیالیسم و علیه رسوخ نظریات بورژوازی و رویزیونیستی،
فعالیت نمود.

کیفیت عالی اخلاقی و سیاسی، اصول بشردوستی و مبانسی
اخلاقی مردم شوروی که در بطن نظام سوسیالیستی تکوین مییابد، قبل
از هر چیز از راه شرکت فعال زحمتکشان در زندگی اجتماعی و
سیاسی و در جریان کار فراهم آمده و با خصیصیت و دامنه فعالیت

ایدئولوژیکی سازمان‌های حزب بستگی دارد. حزب ما معتقد است که تأمین وحدت عضوی در زمینه حل مسائل اقتصادی و سیاسی و کار ایدئولوژیکی و پرورشی، امری اجتناب‌ناپذیر است. قابلیت نفوذ ایدئولوژیکی و تأثیر کار ایدئولوژیکی، مستقیماً با سطح فعالیت تئوریک و تدوین علمی مسائل کنونی ساختمان کمونیستی ارتباط دارد. لنین می‌آموزد که حزب باید «همیشه بر کنار از هر انحراف و مداومت در بکمال رسانیدن ایدئولوژی پرولتری در اشاعه دکتترین سوسیالیسم علمی یعنی مارکسیسم بکوشد.» (مجموعه آثار، جلد ۵، صفحه ۳۴۸).

حزب کمونیست اتحاد شوروی بر حسب تعالیم لنین به شناخت تئوریک فعالیت علمی و درک عمیق عناصر تئوری مارکسیستی - لنینیستی از جانب کادرهای حزب و همه کمونیستها و تکمیل نمودن سیستم آموزش سیاسی و اطلاعات سیاسی، و به فعالیت ارگانهای مطبوعاتی، رادیو و تلویزیون توجه فراوانی معطوف می‌دارد.

حزب همواره با بکارگرفتن همه امکانات خود در راه باروری مدارس آموزش عمومی و تکمیل نمودن مدارس عالی هم و غم خود را مصروف می‌دارد تا چنانکه باید و شاید به نیازهای ساختمان کمونیستی و انقلاب نوین علمی و فنی پاسخ مثبت دهد.

لنین برای ادبیات و هنر در آفرینش نهادهای معنوی کمونیسم و تکوین انسان نو، جای مهمی قائل بود. جامعه‌ایکه به ساختن کمونیسم مشغول است به شکفتگی ادبیات و هنر و همه اشکال آفرینش هنری سخت ذیعلاقه است. ارزش اجتماعی این مظاهر قریحه‌ای از راه سطح

عالی هنری و سازش ناپذیری ایدئولوژیکی و ایمان ژرف به پیروزی
ایده‌های کمونیستی تبیین و تعیین می‌گردد.

لنین فراگیری کمونیسم را به کامسامول‌ها، به مردان و زنان جوان
توصیه کرده است. عشق به کار، عطش به شناخت‌ها، اعتقاد ایدئولوژیکی،
فداکاری در میهن پرستی و انترناسیونالیسم که از صفت‌های ممیزه جوانان
شوروی است و وقتی بکمال می‌رسد که آنها تعالیم لنین را با عشق و
احترام به انجام رسانند و در کار خود تلاش ورزند و همانطور که لنین
بزرگ آموخته است زندگی نمایند.

لنین می‌نویسد «ما حزب آینده‌ایم و جوانان به آینده تعلق دارند.
ما حزب نوآورانیم و جوانان همیشه از نوآوران پیروی می‌کنند»
(مجموعه آثار، جلد ۱۱، صفحه ۳۶۸). حزب به شرکت آگاهانه جوانان
در زندگی اجتماعی و سیاسی اهمیت وافری می‌نهد و به نیرو و امکانات
آنها اعتقاد دارد. وظیفه پرورش کمونیستی جوانان «تاتکوبین نسلی که
کمونیسم را به طور قطع محقق گرداند» (مجموعه آثار، جلد ۲۹، صفحه
۱۰۸) به عنوان وظیفه بس مهم تمام حزب و عموم خلق مورد توجه حزب
می‌باشد.

با درپیش گرفتن رهنمودهای لنین باید کارهای فراوانی در راه
ساختمان کمونیستی انجام داد یعنی خیلی بیشتر از آنچه که تا امروز
انجام یافته است. زندگی با طرح مسائل و وظایف جدید بررسی عمیق
و حل و فصل خلاقیتی را ایجاب می‌کند. نقش رهبری حزب کمونیست
ضامن کامیابی در حرکت به پیش است. خلق شوروی تحت رهبری
حزب و باره نمود لنین به پیروزی اکتبر و سرسیالیسم نائل آمد. در این

راه است که ماهمچنان پیش می‌رویم و سرانجام به کمونیسم می‌رسیم. ایده‌ها و آثار جاودانی لنین زندگی شکوهمند و بارور وی برای مردم شوروی و زخم‌کشان سراسر جهان سرچشمه الهام و خوشبینی بی‌پایان است. نوع درخشان لنین راه مبارزه انقلابی و بنیان‌گذاری‌های خلاق را منور می‌سازد.

چون لنین برزمیم و زندگی نمائیم، یعنی تمام توش و توان و همه شناخت‌های خود و سراسر انرژی خویش را وقف عادلانه‌ترین و انسانی‌ترین کار در روی زمین سازیم: مبارزه برای آزادی همه زخم‌کشان از قید زور و استثمار، مبارزه در راه پیروزی ایده‌آلهای کمونیستی، مبارزه به خاطر تأمین آینده سعادت انگیز بشریت.

مردم شوروی با ادامه کار لنین، با کارمدارم خویش به افزایش باروریهای اجتماعی می‌پردازند و برای بسط و گسترش دموکراسی سوسیالیستی و علم و فرهنگ تلاش می‌ورزند و به‌طور خستگی‌ناپذیر در راه تحکیم قدرت دفاعی میهن سوسیالیستی فعالیت می‌نمایند و زندگی شایسته انسان را بنا می‌نهند.

مردم شوروی تحت رهبری حزب کمونیست، راه لنین را دنبال کرده، در راه فشرده‌گی صفوف خود و تحکیم برادری و دوستی خلق-های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی فعالیت می‌نمایند.

مردم شوروی با ادامه کار لنین، همبستگی انترناسیونالیستی خود را با خلقهای کشورهای سوسیالیستی، با طبقه کارگر جهانی و با همه کسانی که برای دموکراسی و رهائی ملی، برای صلح استوار، دموکراسی

وسوسیالیسم، برای پیروزی ایده‌های مارکسیسم - لنینیسم پیکار می-
کنند، تحکیم می‌نمایند.

ایده‌های ولادیمیر ایلیچ لنین در فعالیت کمونیستها، در مبارزه طبقة
کارگر و همه زحمتکشان، در پیشرفت سوسیالیسم و کمونیسم، در ترقی
جبری اجتماعی بشریت متبلور است.

نام و کارلئین قرن‌ها زنده خواهند ماند!



بخشی از منظومه

ولادیمیر ایلیچ لنین

سروده ولادیمیر مایاکوفسکی
ترجمه احسان طبری

در فابریک پر دود
بر برف کبود
(کافکند فرش خود بر روی زمین)
با قلب و

با نام و
با گفتار تو

میکوشیم

می‌رزمیم

ای رفیق لنین!

لنین زمینی است
لیکن نه از آناد

که هستند

شیدا بسرود خود:

از راز پنهان زمان

آگه بود

جهانی داشت

در وجود خود

او عیناً مانند تو و من

انسان

فقط ممکن است

تزدیک چشمان

افکاری

کلان تر از افکار ما

پرچین مینمود

پیشانیش را.

لبان

با لبخندی

استهزاء آمیز

از لبان ما

بس فشرده تر

ولیکن

عاری از
عجب ساتراپ‌ها
که می‌گذشتند
در هودج زر
از بهر رفیق
مهر دمام
درپیش دشمنان
پولاد محکم
او
عیناً مثل ما
بیمار میگردید
همچو ما
بر مرض
غلبه میکرد
ولیکن هر کس را
کاری دیگر است
بهر من
«بیلیارد»
مایه شگرف
بهر او
شطرنج
دلپذیرتر است

چون ورق میزنم
دفتر عمر را
می جویم
بهترین روز فیروز را
دائماً
یکروز را
آرم بخاطر
روز ۲۵
نخستین روز را
می جهد در هرسو
از سرنیزه
برق
ماتروسها
با بمبها
بازی میکنند
تو گویی
با توپ لاستیکی
اطفال
سمولنی
از غرش
میکند خروش
این یکی اندر بحث

و آن یکی در جوش

وان دگر

میدهد فرمانی

با عزم

این یکی

میکشد

گلنگدن را

آنجا

از آخر کریدور

اکنون

نامشهود

گذشت

لنین بزرگ

گرچه

با لنین

میروند به رزم

غالباً

ندیدند

تصویر او را

سربازان

از بهر دیدن لنین

جوشیدند

جنیدند

دویدند

به پیش

و در این طوفان آهنین

لنین

مژده برهم زنان

چشمان تیزبین

فرو دوخت

بر روی ژنده برتن‌ها

خیره بر آنها کرد

نگاه ثاقب

گوئی

دل در زیر هر لفظش

پنهان

گوئی

در هر حرفش

زمان بد

طوفان

هر رازی عیان شد

هر سری مفهوم

و او

با نگاهش



مینمود معلوم:

رنج دهقان را

نعره جنگ را

عزم کارگران «بوتیلف»

«نوبل»

در عزمش نهان بد

قدرتی عظیم

در مغزش:

هزاران

دیار و کشور

نفوس بشری

یک میلیارد و نیم

می‌سنجید تاریخ را

در ظرف یک شب

و فردا

بهمه خلق حق پرست

به این جبهه‌های از خون شده مست

بخیل برده و اسیر دنیا

در بند زنجیر اغنیا

میگفت:

«جنگ ضد جنگ»

صلح بی‌درنگ!

حکومت به شورا!

زمین به دهقان!

نان به گرسنه!

حرمت به انسان!

نزد ما کلمات

گرچه مطمئن

میگردد معتاد

چون جامه کهن

لیک از نو خواهانم که سازم

تابان

معظم

واژه حزب را

این زمان

چه سودی خیزد ز انسانی تنها

نارساتر باشد بانگش

از نجوا

که آنرا نشنود

مگر همسرش

تازه

گر همسرش

باشد در برش

نه اندر بازاری پربانگ و غوغا

حزب

آری اینست آن

یگانه طوفان

بانگهای خفیف فشرده

يك تن

که از آن

می‌روید دژهای دشمن

و از آن

سپاهش

می‌گردد منکوب

چنانکه

سنگرها

از شلیک توپ

بد است مر انسان را

وقتی که تنهاست

بدا بر منفرد

کی جنگاور است؟

هر مرد پر زوری

بر او سرور است

ولی حزب

که در آن

مهر

مردان استاد

سینه‌های پر

محکم

آماده

درپیش این جیش جسور ودلیر

هان دشمن!

تسلیم شو!

زانو زن!

بمیر!

حزب:

اینست

بازوی هزاران انگشت

انگشتان فشرده

چون کوبنده مشت

تنها!

این هیچ است

بگرچه بس مهم وازنخوت گنج است

باز امکان اجراء هرچیز محروم است

نتواند بردارد

يك تیر پنج گز

پنج اشکوب بنا را تکلیف

معلوم است

